



انقلاب و آزادی

از درون کارخانه

اعتصاب کارگران دخانیات*

تهران — کارخانه دخانیات حدود چهار هزار نفر کارگر دارد. بعلمت سروکار داشتن کارگران این کارخانه با سیستم نیکوتین، از دوران رژیم قبلی چند در صد از تولید کارخانه نیکوتین به حقوق ثابتشان افزوده میگردد. و رو به رفتن مزد این کارگران در ماه از چهار تا هفت هزار تومان میرسد. این تعداد کارگر همه شان در یک شیفت کار میکنند و بعلمت سختی شرایط کار هر یک از کارگران یک ساعت به یک ساعت بنوبت سردستگاه ها مینایستند. از مدتها پیش رژیم در این کارخانه نه تنها اجناس را جمعیت برقرار کرده است، و کارگران را که در این ساعت موقع استراحتشان میباشد به زور مجبور میکنند تا در نماز جماعت شرکت بکنند.

کارگران به عوض شرکت در نماز جماعت از ساعات استراحتشان قسمت به قسمت در محوطه کارخانه دور هم جمع میشوند و کارهایی که در کارخانه میکنند هم دیگر را با خبر میسازند و اینکه جلوی آفتاب به استراحت میبرند. برای جلوگیری از تجمع کارگران در محوطه کارخانه هم در آنجا یک ساختمان ساخته شده است و کارگران را از آنجا میمانند که از آنجا به بیرون میروند. کارگران از این دو شیفت یکا را شان آدا می خواهند داد. کارگران در مقابل این بخشها به قسمت به قسمت شروع به اعتراض میکنند. در برابر این اعتراض مدیر عامل کارخانه تمام کارگران را به مسجد جمع کرده و طی سخنرانی میگوید که این دو شیفت کردن ما فقط بخاطر اینست که یکمده کارگران تا ۱۲ ساعت تا بیرون رفتن انقلابیون بیرون از کارخانه نمیگردد و در موقع ساعات استراحت بخشی از سیاهی کارخانه را به راه میاندازند و ما بخاطر جلوگیری از این امر مجبور هستیم کارگران را دو شیفت بکنیم تا بهتر بتوانیم این افراد را کنترل نمایم.

و بدین ترتیب جریان کار دو شیفته در این کارخانه برآه میافتد. بعد از گذشت ۲ ماه رژیم سرما به اداری خوب تا به ای برای کارگران میبندد و قرار میشود تا حقوق کارگران را در همه قسمتها لیست برداری کرده، که هر یک از کارگران بدون آن چند درصدی که از تولید کارخانه به حقوقشان اضافه میگردد در حقوق ثابت دارند. کارگران از این لیستها خودداری میورزند.

از این بعد بدین کارگران را هیچ دردمان نمیدهند. همه از همدیگر جریان پیش آمده را میپرسند، کارگران شیفته شب شیفته روز تمام میگردند که علت لیست برداری چیست بوده است. تا اینکه چند روز بعد یک بخشها به جدید در کارخانه نصب میگردد. که از این ماه کارگران فقط حقوق ثابت ۸ ساعت کارشان را دریافت خواهند کرد. یعنی بدین طریق ملاحق هر کارگر در ماه حدوداً ۱۵۰۰۰ ریال الی ۲۰۰۰۰ ریال کم میشود. زمانیکه کارگران برای دریافت حقوقشان به بانک کارخانه مراجعه میکنند حسابهای مطرح میکنند که دستور آمده است تا حقوق ۸ ساعت کار بدون مزایا را به شما بدهیم. که در این موقع بین کارگران در سودا راه میافتد و همگی تصمیم میگیرند به دفتر مدیر عامل کارخانه رفته و جریان را جویا شوند.

مدیر عامل ترسان از این موضوع به پاسداران تلفن میزند و آنها نیز چند تا میون مبلغ به کارخانه میبرند تا جلوی حرکت کارگران را بگیرند. کارگران تا وضعیت را بدین ترتیب میبینند هم دیگر میگویند ما ملاحق نمیگیریم و روزی نه خانها به پشان میگردند البته برای شیفته بعدی هم بیفایم میفرستند که ما چنین کردیم شما نیز حقوق نگیرید تا تکلیف همگی ما را روشن گردد. فردای آن روز که کارگران سر ساعت مقررد سر کارشان حاضر میشوند محوطه کارخانه را پر از پاسداران میبینند و سرطهره کارگران را به مسجد دعوت میکنند تا خونبسی

بقیه در صفحه ۳

* گزارش فوق توسط یکی از اعضاء سابق پیکار ریدستیا رسیده.

در این شماره:

- * زن و جنسیت
- * سلطانزاده: جنبش سندیکایی در ایران
- * درباره مسئله یهود
- * انقلابات آفریقا - آسیای مقدمه جدید

چشم انداز ۸۵ - ۱۹۸۴ (طرح اولیه)

ترجمه از آژادکار و شبنم

دهه ۱۹۸۰ به کجا می رود؟

نیاز حیاتی به یک سمت گیری کاملاً جدید برای ریشه کنی سرمایه داری امپریالیستی یادداشت هیئت تحریریه: متن زیر ترجمه خلاصه شده است از طرح اولیه چشم انداز زمین المللی مارکسیست هومان نیستی برای سال ۸۵-۱۹۸۴. از شما دعوت میکنیم تا با شرکت خود در بحث این چشم انداز، با ما در تدارک تئوریک برای انقلاب سهیم شوید.

۱- رونالد ریگان،

یک گردنکش جهانی

در این شکی نیست که ریگان عقب گرایک محمول افراطی دوران احتیاط سرمایه داری است. اما این ادعا که گویا وی بیش از حد از اهمیت سرمایه داری امپریالیستی آمریکا با فراتر نهد در دست نیست. بی توجهی ریگان هم به کنگره آمریکا و هم به انتخابات انگلستان و فرانسها زمین گذاری بنا در نیکاراگوئه و همچنین به رسمیت شناختن دادگاه جهانی، لاهه نشان میدهد که او از بر ملا شدن عملیات مخفیانه اش هیچ باقی ندارد. تنها یک نگاه به اعمال جنا پتکارا نه میگرداند انقلابیونی که توسط سازمان سیا و خود رئیس جمهور پیشین ای و هادایت میشود، روشن میکنند که هیچ چیز جلوی ریگان نیست. در همان زمانیکه عملیات تروریستی انجبار مغازن نفتی نیکاراگوئه فاش میشد، ریگان به کشورهای غربی پیشنهاد کرد که به عملیات ضربتی بر علیه تروریستها و کشورهای دیگر دست بزنند. کار این برزیدنت ما شش کشور را انتخاب می کند. کنونی عیار رست از راهش خود برای بازی کردن در دولت مرد بزرگ "اوردراخل آمریکا نقش هاری ترومان را ایفا میکند. کسی که انتخاب او مومین دوره چهار ساله خود را مدیون حمله اش به کنگره بی عمل آمریکا بود در خارج قابض آرم آرم به چین میروند. جاتی که او مجبور است برای یکی شدن با چین بر علیه روسیه، بر ضد کمونیسم ریشه دار خود سرپوش بگذارد.

شعار "سال دیگر برای ریگان، همچنان که در مورد نیکسون شادمان بوده ایم، وعده ای است به تداوم عقب گزاشی. بعلاوه، دست درازیهایی این منبر پرست و ذلیل بسیار فراتر از ۳ سال خود هرفت، زیرا با تختش دادگستری عالی و استقرار میلیتاریسم در آمریکا از نوع جنگیای ستاره ای تعیین خواهد کرد که هیچ رئیس جمهور در قرن بیستم از نقشه او برای رودر رویی نهایی بین شرق و غرب راه گریزی نداشته باشد. با بد جلوی این گرفت، برای اینکه راجعت به تنها ابوزیسیون واقعی در مقابل ریگان نیسم - یعنی - طغیانهای توده ای داخل آمریکا بر علیه ریگان اعصاب شکن حیاتی است.

۲- رونالد ریگان،

یک اعتصاب شکن ضد کارگر

رویه اعتصاب شکنی که ریگان در همان آغاز جلوسش بر قدرت با خرید کردن سازمان کارمندان حرفه ای برجیای مراقبت هوا پیمایی (PATCO) با به گذاری کرد چراغ سبزی بوده کل طبقه سرمایه داری که امروزه تلاشی سیستماتیک بر علیه مبارزات اتحادیه ها و کارگران مشغولند.

روزی که او استریت ژورنال (۶ مارس ۱۹۸۴) به خوبی نشان میدهد که "علیرغم شکوفایی اقتصاد، بسیاری از کمپانیها... با کارگران خود میگویند دستمزد شما برای قابلیت رقابت ما در دراز مدت بسیار زیاد است. ما به کم کردن دائمی دستمزدها احتیاج داریم" (تا کاید از ما است) معنی جدید "رقابت میز" این است: کاهش سطح زندگی کارگران آمریکا تا کوچکترین میانگین معادل با کشورهای از نظر تکنولوژیکی عقب افتاده. و این نه فقط کاهش دستمزد است بلکه به معنی دائمی شدن "گذشتهای موقتی" کارگران است.

علاوه بر آن، سوروکارها ای اتحادیه های کارگری میدانند که هدف این حملات نه کارگران حرفه ای و متخصصین الکترونیکی بلکه کارگران تولیدی بوده اند. کارگرانی که حتی در "ساعات پرین" شرایط، هیچگاه سطح زندگی شان از حد متوسط بالاتر نرفته. گویا ترین مثال را میتوان با زهم در گزارش وال استریت ژورنال دید: کارگرانی که تا رگاهی که ساعتی ۱۲ دلار و ۳۷ سنت میگردید را به بازنشستگی زودرس مجبور کرده و جای او را کارگری با حقوق دلار در ساعت میگرد.

در چنین شرایطی دولت، اعتصاب شکنی را به موری روز مرمه تبدیل کرده. کارگران "فولاد آمریکا" این تاکتیک سرمایه را با جاک و گرهه اخراج نامیده اند. کارگرانی که بر علیه کمپانیها در آندگاه شاکیده اند با بدسالی منتظر رسیدگی به پرونده ها پشان باشند. با بیگاری در حال رشد و تشدید مبارزات سرعت کار، وضع آنها بی که هنوز فایده نبر و خیم تر شده.

در حال حاضر هزاره ها از ۳۰۰۰۰۰ تنی که هر یک با بگریستن تا ع کارگرند، در صنایع آمریکا مورد استفاده قرار

جنگ ایران و عراق، محکی برای چپ

در صفحه ۱۲

دستنویشته های اقتصادی - فلسفی ۱۸۴۴ مارکس

ترجمه فارسی دستنویشته های اقتصادی فلسفی ۱۸۴۴ مارکس هم اکنون آماده چاپ است، ولی چاپ این اثر منتشر نشده در حلقه حاضر با معضل مالی مرمی روبرو میباشند. مساعد مالی شماست. با کمک سخا و تمندانه مالی خود و نیز طرح این مسئله با دیگران، بجای آن با همیار یکنشید!

۱۴۰ سال پس از نگارش این دستنویشته ها و قریب ۳۰ سال بعد از اینکه انقلاب مجارستان آنها را از لایزالای آرشیهایی غبار گرفته بروی صحن تاریخ آورد، ترجمه فارسی آنها هنوز در دسترس نبوده و مورد بررسی و بحث جدی قرار نگرفته. انقلاب مجارستان از زیر بوی کمونیسم توتالیتر مبارزه بر علیه آنچه مارکس "کمونیسم مبتدل" خوانده بود را عیان ساخت و به "هومان نیسم نوین" ما رکن فوریستی امروز بخشد.

ترجمه فارسی دستنویشته های اقتصادی فلسفی ۱۸۴۴ مارکس نیز، که توسط چند مارکسیست جوان دریا نیز در دوران انقلاب آغاز گشته و رساله های آن ابتدا در سطح محدود و سپس در چند هزار نسخه بطور "سرخود" در ایران تجدید چاپ گردید، بخشی از یک جستجوی همه جا به برای یک چشم انداز کامل انقلابی بود. فوراً آن دکه ها و سفره های همه جا گسترده کتاب و تئواریسم و اعلامیه که روی دست قاپده میباشند، ترجمه های فراوان آنها را رکنیستی، خود انکسای و عطش عمومی برای یک فلسفه آزاد میبود. اما ضد انقلاب برخاسته از درون انقلاب به این تلاشهای آغازین مهلت از کارگزاران خود را نداد.

اینکه یک فرقه و احد مذهبی توانست انقلاب را غصب کند، و اینکه چپ با کرنش به مذهب به عنوان بدیل یک فلسفه آزادی، به خمیستی یا ریسند، امروز باعث میشود تا بخود آیم. در اینجا است که گشایش بحث و تدارک و کم روی دستنویشته های هومان نیستی مارکس که دنیا یکا ملا "تازه ای از اندیشه و انقلاب را بنا میدهد، حیاتی است. انتشار این اثر برای آلودن افکار مان حول دیالکتیک انقلاب ضروری است.

لطفاً کمک های مالی خود را با قید "صندوق ویژه چاپ دستنویشته ها" به آدرس انقلاب و آزادی ارسال دارید. به افرادی که بیش از ۱۰ دلار کمک کنند، یک نسخه دستنویشته هدیه میشود.

E&A, P.O. BOX 07101 Detroit, Mich. 48207, USA



زنان بمتابه شعور و نیروی انقلاب

زنان جهان در مبارزه



زن وجنسیت

نوشته ندا

نکشته، بلکه عدم تساوی زن و مرد فجع ترین بیان خود را در افزایش قتل نوزادان دختر توسط خانواده‌ها می‌آورد.

شکوفه یکی دیگر از زنان حاضر در جلسه کتاب چهره پنهان حوا اثر نوال السعداوی را به بحث گذاشت که در مورد مطالبی که معرّب در حق زنان داستانهای بسیار دارد. در خلیج از کشورهای عرب و آفریقا برای هر سال بیش از ۹۰ میلیون دختر جوان مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد. واز سوی کلیتوریس (الت جنسی زن) قرار می‌گیرند. واز حیاتی‌ترین ضوابط برای مردمان اوست، بطوریکه برای خانواده، از دست دادن چشم دخترشان و حتی مرگ او تقدیر سف‌بار نیست که از دست رفتن بکار دختر.

شکوفه متذکر شد که در جامعه ایران به مفهوم دوگانه و نواقصی از آبرو و "جنسیت" وجود دارد. آبروی یک مرد هر قدر هم عیاش باشد در گریز از زنهای خانواده اش است. داشتن رابطه جنسی برای مردمان به غرور و حال آنکه برای زن شرم و عجز و سرکستگی است. وی آنگاه اشاره کرد که متأسفانه بعد از همه علت طرز تفکر سیاسی خودتربیدن از کمونیسم مبتذل روسی معتقد میشود که مسئله تنها با بیرون راندن قدرت امپریالیسم از کشورهای جهان حل میشود. نتیجه جنین تحلیل ناقص نبود که از ریس انقلاب ایران و سعادت آن تا جنرال از جنسی "خدا مپریالیست" دفاع میکرد. (۳)

سیمون دو بووار

ندا، یکی از اعضای انجمن آزادی زن در مورد سیمون دو بووار صحبت کرد: دو بووار فیلسوف فرانسوی، و همکار با ترنیا بندختین نویسنده و فمینیستی را در سال ۱۹۲۹ برشته تحریر کرد. دو بووار در کتابش جنس دوم به تحلیل بیولوژیک بدن زن و نیز مسائلی چون عادت ماهیانه، باروری و نسل فرزند پرداخته است. او نشان میدهد که چگونه جامعه مردسالاری، زن را در هر یک از مراحل زندگی، کودکی، نوجوانی، ازدواج، بارداری و غیره - مجبور میکند که بدش و به خواسته‌ها و اهداف زندگی‌اش از دیدگاه مرد بنگرد. دو بووار معتقد است که بیولوژی بدن زن لزوماً نباید تعیین کننده زندگی او باشد بلکه اگر جامعه بگونه‌ای دیگر با به ریزی خود مسائل بیولوژیک تا بعد از زود زدن زندگی زن تعیین کننده نبوده و برای او امکان دنبال کردن مستقل خواسته‌ها و وجود خواهد داشت. اما آنچه که موجب تحیر و تاحدی خشم زن ایرانی حاضر در جلسه دانشجویی است، تغییرات جمعیت‌شناختی، به نظر دو بووار زن موجودی غیرفعال و سستی است که اگر متعلق به طبقه پایین است ستمکش و زیرین می‌شود و اگر از طبقه فوقانی باشد شاد و رست و مفاطمه کار.

دو بووار اینک مغرمانه از نقش زن در تاریخ را به کلی، کنار میگذارد. بقیه در صفحه ۹

گروهی از زنان با زانها دیدخواه ایرانی‌ها خیرا در بالست میثکان به گردهم جمع شده کمیته تشکیل دادند، این گروه علاوه بر برگزاری مراسم سالروزین لمللی زن که در ضمن آن پنج نفر سخنران در مورد تاریخچه مبارزات بین المللی زن و ریشه‌های انقلابی آن بویژه مبارزات زنان در آمریکا، شیلی، هندوستان صحبت کردند یک سری کلاس در مورد زنان و ریشه‌ها، انقلاب ایران و رابطه فمینیسم با ما رکنیم ترتیب داده و در برگزاری از یکی از این جلسات را با عنوان "انقلاب و جنسیت" نامیدند. جلسه مطالعاتی نخست ما به مسئله زن و جنسیت اختصاص داشت که در ضمن آن به مطالعه و نقد آثار فاطمه مرتضی، نوال السعداوی و سیمون دو بووار و نیز مقاله "زنان و جنسیت" در انقلاب اجتماعی "انقلاب و آزادی" شماره ۳ پرداختیم که منجر به انتشار بسیاری از کتب و کتابها مینا یکی از زنان حاضر در جلسه کتاب درواری حساب اشراف فاطمه مرتضی، فمینیست مراکشی را مطرح ساخت. کتاب مرتضی دو نکته مهم در مورد زن و جنسیت در اسلام را مورد تحلیل قرار میدهد.

اول مرتضی مفهوم جنسیت زن در جهان غرب را با جهان اسلام مقایسه میکند، او متذکر میشود که برای مثال فرود بردن و مردان غربی زن را از نظر جنسی موجودی غیر فعال و مردمان موجودی فعال می‌انگاشته است. به نظر فرود بردن از زنان را در حقیقتی عصبی زن را ریشه در حسادت آنها به مردان دارد. در جایی که زن به نظر فرود بردن خود را یک "مرد عقیم" می‌داند، او می‌باید در حسادت نسبت به نظر هرات جنسی مرد می‌باشد. حاضرین در جلسه اشاره کردند که بسیاری دیگر فرود بردن را به اجتماعی و میانه زن از نظر برعلیه این جامعه مردسالار و جنسی را ناشی از انا را حقیقتی عصبی زن و حسادت او به آلت جنسی مرد میدانند. وزن طبیعی بنظر وی زنی است که غیر فعال بودن خود را از نظر جنسی و نیز اجتماع عصبی بنظر او دیگر نخواهد که چون مرد گردد.

فاطمه مرتضی آنگاه اشاره میکند که برخلاف جامعه غربی در جامعه اسلامی مسئله احساسات جنسی زن امری کاملاً ناشناخته است. منتهی جامعه اسلامی دقیقاً بهمین دلیل تمایل به کنترل جنسیت زن میکند. اسلام زن را از نظر عقلانی فاقد تفکر و تفکر میدهو چون معتقد بود وجود هیچ نوع خویشنداری و کنترل کس در مردان نمی‌باشد. بنا بر این وظیفه اجتماعی برای کنترل و محبوس کردن زن میدانند. دومین نکته‌ای که در کتاب مرتضی اهمیت دارد تحلیل او از جامعه عرب پیش از اسلام میباشد.

آزادی زن در قبل از اسلام

مرتضی نشان میدهد که در جامعه عرب قبل از اسلام نظام پدری و نظام مادری در کنار یکدیگر وجود داشته اند برای مثال عایشه زن محمد از زنها همسرهای مختلف مزاجت در جامعه قبل از اسلامیت میکنند که در آن یک زن میتوانسته با چندین مرد رابطه داشته باشد و در صورت باروری، زن پدر فرزندش را به دلخواه از میان آن مردان انتخاب میکرد. اگر زنی مایل به جدایی از مردی بوده که یا بود که چادرش را بر چرخ می‌زد و مرد میتوانست به بدن زن را ترک نکند. در بسیاری موارد، قبل از زن مسئول نگهداری از زن بود و به پیش بود و مرد هر چند وقت یکبار به ملاقات زن می‌آمد. همراه با متلاشی شدن با بهای اقتصادی نظام قبیلگی ای و رفع گرفتن تجارت فرود، ایده بیولوژی اسلامی هم زمینه‌ای برای با به گرفتن میباید و نظام پدری که قبل از اسلام یا بیای نظام مادری وجود داشته، به کلیه اجتماع عصبی داده شده و فرم انحصاری پدرسالاری را بوجود می‌آورد. در نتیجه برای مثال ازدواج‌های چند شوهر که قبل از اسلام پدیده‌ای عادی بوده در اسلام "زنان" می‌مید می‌شوند، حق جدایی آن زن از مردین مرد و حال آنکه معادل این حقوق همچون حق تعدد زوجات و طلاق آن برای مرد باقی میماند.

در جلسه بدین اشاره شد که متأسفانه مرتضی علیرغم مطرح کردن مسئله جنسیت در اسلام در کتاب محل مسئله جنسیت زن را صرفاً در تقسیم درست ثروت اجتماع "غلامه" میکند و کشور چین را بعنوان چنین جامعه‌ای که معادله آلتی مجسم میسازد. حال آنکه پیش از سه دهه پس از انقلاب چین نه فقط مسئله جنسیت همچون بسیاری از مسائل دیگر حل

پیراهن آزادی زن، آزادی جا صعه

انجمن آزادی زن به مناسبت پنجمین سالگرد نظرها تا تاریخی زنان ایرانی در ۱۷ سپتامبر ۱۳۵۷ پیراهن آزادی زن، آزادی جا صعه را تهیه کرده و به معرض فروش میگذارد. قابل اکتساب از انجمن آزادی زن

E&A
P.O. Box 54061
Terminal Annex
L.A. CA 90054

قیمت دلار ۱۰ دلار است
در اندازهای گم، ب
در رنگهای گرم قمر مزای

فرانسه

درباریس کمیته موقت برگزاری ۸ مارس به همراهی زنان فرانسه و مراکشی برنامهای مبتنا سبت اینروز تشکیل داده و در نظرها در میدان سن ژرمن شرکت کرده علاوه بر این اجرای نمایش خیابانی در مورد زنان ایرانی با استقبال اقربا حاضر و برور شد.

آرژانتین

در آرژانتین مجلس سبت سالروزین المللی زن ده هزار نفر، گروه معروفه مادران میدان مایو را در نظرها همراهی کردند. مادران میدان مایو نام گروهی از مادران افراد ربوده شده و زندانیان سیاسی است که در طی ۳ سال گذشته هر پنجشنبه در میدان مایو گرد هم آمده و در نظرها ۴۵ دقیقه ای خود را مقابل دولت از دولست میخوانند روشن کنند که برهه‌ها را ن تقرا فرد تا پدیدنده در آرژانتین چه آورده.

گروه "مادران میدان مایو" در سال ۱۹۷۷ با ۱۷۱۵ زن آغاز شده که در آن زمان مادران دیوانه نامیده می‌شدند، بیشتر زنان گروه از طبقه کارگر و روستاییان مسن هستند. کم گروه معروفیت بسیار پیدا کرده و امروز این زنان به منزله "قهرمانان ملی" درآمده‌اند. علیرغم بروی کار آمدن دولت جدید نظرها متفکسی زنان برای میجو کردن دولت الفونسین به یافتن سروشت فرزندانشان گماکان ادامه دارد.

لهستان

در شهر کاتوویتز در لهستان به سفرا زنان فعال ادر نهضت سولیداریتی بنا بهای آنها و لکتیونویته، سوتن پروا و توما سزوسکا در ماه آوریل از زندان آزاد شدند. دادگاه محلی اعلام کرد که هر سه زندانی به علت ضعف و بیماری قادر به تحمل محاکمه نخواهند بود و لذا محاکمه بمدت تا محدودیت تعیین انداخته شد. این سه زن سال گذشته به جریمه پلاک بزرگداشت در محلی که هفت نفر معدنچی پس از اعلام حکومت نظامی توسط قوای امنیتی به قتل رسیده بودند، دستگیر شدند. والکتیونویته و سوتن از رهبران نهضت اتحادیه آزاد کارگری بودند که از بنیانگذاران نهضت سولیداریتی بشمار می‌آید.

ایتالیا

بیش از ۵۰۰۰۰ نفر زن در ایتالیا در تاریخ ۸ مارس دست به نظرها زدند، این نظرها بخشی از یکسری فعالیتها می‌باشد که به مناسبت ۸ مارس توسط نهضت زنان ایتالیا صورت گرفت. در روز ۸ مارس چندین هزار زن در سبیلی یعنی محلی که قرا راست تلسلیحات (Cruise Missiles) پیاده شدند و به برگزاری مراسم ۸ مارس زدند و گروهی از زنان بنام آرگتا (تا رعنتکوت) میخواند که می‌خواستند تکمیل تلسلیحات اتمی زنان در انگلستان - کرینما مک من ایجاد کنند.

زن آزدیدگاه
ماگزین و
نقض آزادی
زنان امروز

زنان بمتابه شعور و نیروی انقلابی

بهای هر جزوه ۱/۵ دلار
بملاوه مخارج پستی

گزارش از جنبش مستقل زنان ایرانی در آلمان

با ددا هیئت تحریریه: گزارش ذیل از طرف یکی از دوستان فعال در جنبش زنان در آلمان غربی بدستمان رسیده که برای اطلاع خوانندگان به درج بخشهایی از آن میپردازیم. جنبش مستقل زنان در آلمان در حدود سال پیش تشکیل شد و شامل زنانی است که هم در گذشته در سازمانهای سیاسی مختلف فعال بودند و هم آنها که در هیچ سازمانی فعالیت نداشته‌اند. در طی این دوسال در مسیانه‌های متعدد نشست‌های هفتگی شهرهای مختلف همکاری ما به این نتیجه رسیدیم که در رای اختلاف نظرهای زیادی در مورد مسئله زن و استقلال جنبش زنان میباشد و همین اختلاف نظرها باعث شده که نتوانیم به کار جمعی خود ادامه دهیم که شرح آن در مقاله‌ای که بعداً با خود هشدن می‌خواهد گفت و در حوصله این نامه نیست اما من مختصراً اشاره ای به گزارش شما از مسیانه آمریکا میکنم تا حدودی بدانید اختلاف نظرها دوره محوری بودند. منظورم اشاره به آن جمله است که سیمینا در زمین حال خالی از تفاذ نبود و یکی از اساسی ترین تضامها که در ضمن گفتار من شاهد بودیم مسئله تفاهت و بیسن گرايش "دوگراییک" و گرایش سوسیالیست بود. برخی از کمیته‌ها در حین ابراز طرفداری خود از وجود سازمانهای مستقل زنان مطمئن نبودند که چه برخوردی با بد در مورد زنان طبقه کارگر داشت و در نهایت حمایت خود را از انقلاب سوسیالیستی ابراز میکردند. حال آنکه گروه دیگری از زنان حاضر در جلسه سازمانها را کهنه چپ ستوده شده بودند میگفتند اما حقوق تمام زنان ایرانی کارگروها بورژوازی را می‌کنیم چرا که ... برای متن کامل مقاله رجوع کنید به انقلاب و آزادی شماره ۱۹۹.

بقیه در صفحه ۹



مقاومت جوانان بر علیه جنگ ایران و عراق

در تبعید

جوانان عزیز:

در شرا پستی که جنگ دهشتناک ایران و عراق را افکار همه ما را به خود مشغول داشته، ما بلم تجربه دو فمالت را با شما در میان بگذارم تا شما بیچشم انداز جدیدی از مقاومت در تبعید را بیوروا کنیم.

آخرین کمیته ای بر علیه جنگ ایران و عراق از انبیره های چپ لوس آنجلس بوجود آمده تا با برگزاری یک تظاهرات همبستگی جلوه های آمریکا می را بطلاند. بیگنا زسوالاتی که از پس جلوه های آمریکا می مطرح شده این بود: چگونه میتوان بر مبنای تجربیات انقلاب ایران، نوعی همبستگی از درون بین مبارزات ضد جنگ توده های ایرانی و آمریکا می برقرار کرد که فقط به ما زگو کردن و قاطع و حشمتناک جنگ محدود نشده بلکه به پرورش جنبش ضد جنگ در آمریکا کمک کند؟

از جنبش فرم همبستگی را میتوان در فمالت های کمیته بین المللی جوانان مارکسیست هوما نیست در لوس آنجلس مشاهده نمود. در این کمیته که با شرکت جوانان کارگر، سیاه، لاتین و ایرانی پرگزرا ر میبشود،

فرمهای مفا و مت جوانان ایرانی بر علیه جنگ ایران و عراق در راهی با ما رزه جوانان آمریکا می بر علیه میلیتاریسم ریگان مطرح میشود. هما نظور ریگان با استفاده از مذهب، دعای صحاکه در مدرسه، دوباره نویسی کتابهای تاریخ به منظور سانسور و تعیبت جنگهای امپریالیستی این کشور میخوانند جوانان را روانه جنگ در آمریکا لاتین و خا ورمیانه ناکند. خمینی نیز با همین حربه، دست به قتل عام نسل جدید ایرانی زده. شرکت کنندگان این کمیته علاوه بر پرورش در مورد نحوه فرار جوانان ایرانی از جنبه جنگ (رجوع شونده مقاله کوشا در همین صفحه و مقاله "نیازهای جوانان در انقلاب در انقلاب و آزادی شماره ۱۵) ما بل بودند بیشتر در مورد شورا های دانش آموزان دوره انقلاب با دسیستم جدیدی از تحصیل به وسیله کنترل دانش آموزی بر نحوه تدریس و مبارزه با نوع تحصیل بر علیه مذهب بدانند. یک پسر لائین ۱۴ ساله میگفت: "ما هم احتیاج داریم چنین شورا های دردمندی را یعنی خودمان را بیافرینیم. ما هم باید انقلاب کنیم ولی میخوانیم مطمئن شویم که نتیجه اش ما نماند امروز ایران نخواهد بود.

آنچه این جوان ۱۴ ساله نه فقط از انقلاب بلکه از روز بعد از انقلاب "میگفت، سئوالاتی دیگری برانگیخت. زن، مریکی ۱۷ ساله ای که با علاقه بسیار به شرح مبارزات زنان ایرانی و تظاهرات ۸ مارس ۱۹۶۹ آنان به عنوان اولین حرکت بر علیه مذهب گوش میداد، در پاسخ گفت: "آشنا می با مارکسیست هوما نیست با عت شده من در زندگی خودم فکر کنم، بدیم، مذهب و نماز با طر خا نوا دگیم را به زیر سوال بکشم. جوان لائین دیگری ادا نماده: "ما هم ما نماند زنان ایرانی خواستار روابط جدید بین زن و مرد، والدین و فرزندان هستیم و میخوانیم بگردیم. ما نماند تحت نام مذهب به ما بگویند چرا باید بکنیم. جوان سیاهی که هما شده درم جوانان سیاه آمریکا می قادر به پیدا کردن کار نیست و با راه هدف حمله پلیس قرار گرفته میگفت: "بعضی از ما سیاهان بخاطر فشار



جوانان میا می چهار سال است که بطور بی دربی بر علیه پلیس ششورش میکنند

فقرو بیکیا ری به خدمت نظام میرویم تا زنده بمانیم. آنجا نیز به همین بدی با ما رفتار میشود و فقط در مورد "آزاد" بودن آمریکا می تورا می میکنند. اما این آزادگشت تمیعی نژادی را حتی بیشتر ترس می کنیم. این فرصت خوبی بود برای طرح راهی سیاهان و جنبش خلق کرد که انقلاب و فرمختاری خلق کرد را معیار آزادی کل ایران قرار داد.

سوالاتی که این جوانان در مورد انقلابات ما تمام مطرح میکنند به خوبی نشان میدهد که چرا خمینی ریگان، ما را اولین هدف حمله خود قرار داده اند و ما بلند راه ر و سله ای برای جلوگیری از خود آگاهی ما استفاده کنند. جوان بادی یعنی همه چیز را به زیر سوال بکشند. فعالیت ضد جنگی که بدینگونه سئوالات ما من بزنده مسلمانا به شعار مرگ بر خمینی محدود نمیشود و فداخواهد بود با اقترا سوتنا میبشود. همه جنبش انقلابی را ایران کمک کند و همه به تداوم جنبش در آمریکا بر مبنای وسیعتر شیم

در جبهه

نوشته کوشا

وجود هزار نفر فراری از جنگ که با نرفتن به جنگ مخالفت خود را بر علیه رژیم میا نکرده در عین حال نشانگر تداوم مبارزه جوانان برای حق تعیبت سرشوت خود میباشند.

رژیم و استگرای جمهوری اسلامی با وجود آوردن کشتی های "تا رالنه" عملدستگیری و سرکوب این جوانان را در دستور کار خود قرار داده است. در عین حال جوانانی که بتوخی میبشوند به جنگ بروند! از مدتی قبل از انجام معاینه پزشکی مقادیر زیادی الکل خورده تا با مبتلا شدن به امراض معدی در این معاینات رزده، معافیت پزشکی بگیرند. این باعث شده که رژیم توانا در باره بسز خود و وقفا حدش تغییر دهد. بدین صورت که دیگر معافیت پزشکی ادا نم بکند. داده نمیشود، بلکه مشمولین موظفند هر یکسال یکبار معاینه پزشکی انجام داده، اگر سال بعدا نشان خوب بوده قریب نگاه ایران و عراق فرستاده شوند.

عدم استقبال مردم از بسیج و کمی افراد عوامی باعث شده که رژیم جوانان را برای آموزش کوتاه نظامی سه شهره ای که ساکن آنجا نمیتوانند بفرستند، تا خانواده ها براحتی نتوانند فرزندان خود را پیدا کرده، آنان را با زگردها کنند.

ادامه ای منقا و مت، خود را در جبهه های جنگ نمایان میکند. سربازان تا موقعیتی پیدا کنند از جبهه فرار میکنند. بسیاری همبسته بر گاهی دست میا ورنده خود را از منطقه خارج کنند، دیگر هرگز بر نمیگردند و بسیاری ها می که جان سالم از مبلکه بدر برده اند، آنقدر با ساداران مزدور را دستیار می میکنند که بهیانه تمامه باش از ادان

تظاهرات ضد جنگ در لوس آنجلس

با دداشت هیئت تحریریه: در روز شنبه ۲۶ ماه مه تظاهرات موفق، با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر، در شهر لوس آنجلس بر علیه جنگ ایران و عراق برگزار شد که در زیرمشت اعلامیه فارسی آنرا میخوانید:

هموطنان آزادیخواه، برای پایان دادن به جنگ مرگبار و خائنانه برانداختن ایران و عراق و بسیا خیریم. مردم ایران در تظاهرات در چند شهر و روستای جنگ زده، با اعتراضات کارگری، با فرار جوانان از جبهه های جنگ و حتی با سکوت خود، انزجار و نفرت خود را نسبت به تداوم جنگ و رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشته اند. این جنگ که جز مرگ، تهدیدتی و تبا هسی، افسردگی روحی و انهدا منما مع حیاتی دو کشور و گوی با زی شدن سوادگران اسلحه، برای دولت ایران و عراق را معنی نداشت، خود حاصل ناتمام شدن انقلاب ۱۳۵۷ ایران بود. انقلابی که نه تنها بساط سلطنت شاه و مترسکی چون بختیار را به زیر کشید و

امپریالیسم آمریکا را به بیرون انداخت، بلکه در عین حال با بیرون زدن نیروها و انگیزه های جدیدی چون زنان و ملت کرد، خواستار توان تعمیق و گسترش خود را به

بقیه در صفحه ۹

کره جنوبی

هزاران دانشجوی کره جنوبی به مناسبت قیام دانشجویی سال ۱۹۶۰ به عت سقوط رژیم سینگمان ری در ماه آوریل دست به شورش زدند. با وجود داعای رئیس جمهور چون و هو، مبنی بر لبریا لیزاسیون مدارس، دانشجویان به محض بردن تظاهرات به خیابانها، دستگیر شدند. پس از قیام کوا نکجودر ۱۹۸۰ بسیار، از دانشجویان فعال به خدمت نظام فرستاده شده اند. اما تظاهرات جوانان از اجاز زنده انده کسی خاطر ه قیام کوا نکجودقتل آنرا فراموش کنند.

۱۴۰۰ دانشجویان بر تظاهرات نشان اخراج شده بودند عفو دولت را در نمودند چرا که پیش شرط آن اعتراف به گناهان خود، و قبول بازرسی بیشتر کلاس است. به هنگام سفر اخیر با به این کشور، تظاهرات دانشجویان باعث ادا م با قت و طبر فرما بنگه با پ ادعا می کرد تظاهرات بر علیه ونیست، دانشجویان در یک جلسه عمومی خلاف این امر را با سئوال نشان آشکارا شدند: "چطور میتوان با مول بیهوده مسیحی به جنگ بی عدالتی استعمار کار اجنابت دولتی" منطق قدرت "در کره جنوبی رفت؟"

لهستان

با ردیکر، جوانان لهستان بر علیه رژیم توتا لیتر "کمونیستی" یا روز لسکی که سرکوبمیداد و انقلابیون سولیدار ریتی را در دستور کار خود قرار داده، میا - رزه میکنند. افزایش دورا برزندانان سیاسی در یک ماه اخیر، تعقیب و دستگیری بسیار نمایانگر این امر است. ما در عین حال "دانشگاههای پیرنه" به منظور مطالعه تاریخ جنبش انقلابی لهستان در بسیاری از ناهای تفرار است. موسیقی ونما - یشتا می های سیاسی بطور مخفی اجرا میشوند. مرحله پختن ها ی زیرزمینی در امر چاپ و تکثیر کتب

مرغمی و با پایان ما موریت شدت خود را می میکنند. فرار از جبهه ها آنقدر زیاده شده که حتی اجازه رفتن به شهرهای نزدیک و زدن تلفن و تلگراف هم داده نمیشود. این نشانگر ترس رژیم از این است که این جوانان دیگر به جبهه برنگردند. جبهه ها با کمبود "قربانی" مواج هستند. اگر این جوانان از جبهه ها برگردند نفع فدا انقلاب در جبهه ها را به گوش همه مردم میرسانند. جمهوری اسلامی در ماه گذشته تبلیغات گسترده ای را بر ضد استفاده عراق از اسلحهای شیمیایی شروع کرد. در این رابطه یکی از مقادش بسیج جوانان و تحریک احساسات آنان مبنی بر این بود که دولت ایران چقدر ضعیف و مظلوم است و به جوانان در جبهه ها چقدر احتیاج خا نوا ده ها در مخالفت با

است. جنگ را فرزندانشان به جبهه ها موح تظاهرات علیه جنگ را شروع کرده و ادا نماده اند. تظاهرات خانواده ها وحدت جدیدی بین جوانان که همیشه بر علیه اعمال اتوریتته بدروما درها مبارزه میکنند خا نوا ده ها بوجود آورده است. کارگران مرده در کارخانه مجبور به کار بیشتر گشته اند مخالفت خود را با اعتراضات در کارخانه ها (رجوع شونده مقاله دغانیات) بر علیه جنگ و وضع کار روزگاری بیان میکنند. زنان کارگر با ردیکر ما گذشته با همبها می در خیابانهای نازی آپ در سطح و انقلاب را برپا کردند و تا میت رژیم را زیر سوال کشیدند که این خود نشانگر بعد از آزادی در جنبش ضد جنگ میباشند. تظاهرات ضد جنگی در شهرهای سیهان، ذوقول، مشهد، رشت درگیریهایی را بین جوانان و ساداران بوجود آورده که در آن والدین سعی داشتند از ارسال فرزندان به جبهه جنگ جلوگیری کنند.

جوانان، تاریخ و انقلاب

پس از انقلاب من در یکی از مدارس آبسان در سن میخواندم، ما همیشه بر سر درس تاریخ معلم های خود چانه میزدیم و میپرسیدیم، که چرا ما بدتاریخ خوانیم؟ این درس هیچ ربطی به زندگی ما ندارد. آیا بهتر نیست برویم و نیکی با دیگریم تا پول دریاوریم و کمک خرج خانوادها بشیم؟ اکثر اولیا و معلمین عقیده داشتند که نسل ما به دردهای مردمی از جرموسیقی و بلند کردن موش میخورد، ولی با شروع انقلاب ما بیرون از مدرسه، در هر جمع شده و تاریخ مشروطیت و تاریخ انقلاب اکثر را میخوانیم. آنموقع حس میکردیم که چقدر درس تاریخ شیرین است. زمان انقلاب برای ما مثل حای بود که همیشه نمیتوانست کنترل ما بکند. زمانیکه خمینی تصمیم گرفت به خلق عرب حمله کند برای ما ماکا ملاروش بود که این به معنی حمله به کازگران شرکت نفت و همکلاسهای عربمان بوده. در همان موقع ها بود که میتوانستیم بدروما درها بیان را ببینیم که آنها هم از شرایط موجود کار وروا بطه توی خا نوا را می بودند. احساس کردیم که آنها هم برای تغییر سیستم مبارزه میکنند. آنموقع بود که خیلی مسائل بین ما و والدینمان حل شد و احساس کردیم که چقدر دیگر دوست داریم. دانش آموز ۶۹-۱۹۷۷



آرژانتین

هزاران دانشجویان شعار "ثمت نام بدون قید و شرط" خواستار پایان سیاستهای دولت نظامی سابق شدند و با تظاهرات خیابانی، تحریم مناسبات ورودی اعتبار غذا اشغال کلاسها و مجوده دانشگاه، دولت دموکراتیک کوشی را به زیر سوال کشیدند. سولیدار ریتی و بیش از ۲۰۰ روزنامه مخفی فعالاند. مرحله بعدی هستیم، هر موقع که بیا یسد

مقدمه جدید نویسنده بر

بنفلم را با دونا بنسکا یا

"عصر ما زمان تولد تاریخ و دوران گذار است."
- هگل، پدیده‌شناسی ذهن

"فکریکه پوسته تنگ بورژوازی کهنه شده باشد، شورت چیست مگر چا معیت نیا زها... ملکا مل فی نسخه تمام توانمندبهای انسانی... حرکت مطلق شدن".
- گروندریسه

ظهوریک جهان سوم جدید در عصر ما، نه فقط در آفریقا - آسیا بلکه در آمریکای لاتین و خاورمیانه، با وجود وسعت و عظمت آن، یک گرایش صرفا جغرافیایی نبود. برعکس، جهان سوم نیروهای نوین انقلاب و نیزبسیار همان نیروهای نوین بعنوان شعور مترادف گردیدند. این نیروها جدید انقلابی دهقانان و نیزکارگران، طالبان آزادی زن و همچنین جوانان فعال دانشجویان در آن هیجان آورترین رنگ - رنگ سیاه - چنان بعد انقلابی عمیقی بافتند و در دوران مبارزات راه فیمیشی ملی آنان چنان انترناسیونالیسمی دریا فتند که فقط یک جهان سوم نبود، بل کل جهان را دربرمیگرفت. در واقع، جهان دهه ۶۰ از شمال تا جنوب، شرق و غرب در آن سطحی انقبالی بسر میبرد. عمق قیامی که رزمندگان آزادی در اروپای شرقی علیه کمونیسم توتالیتری بحریان انداختند، همچنین مشخصه انقلاب جدیدی از انقلابیون در غرب بود، (نلسون، درحال طفیلی علیه جهان سوم به داری امپریالیستی، بوروکراتیک و ملیتاریستی ای. که خودبوجودش نیا ورده بود. همانطور که آفریقای در غربت (Diaspora) نه فقط بمعنی آفریقای جنوبی بلکه جنوب آمریکا بود، و همانطور که سیاهانه فقط بمعنی آفریقا - جنوب، غرب، شرق و شمال - بلکه آمریکا لاتین یا نضما کارا فیب نیز بود.

مهمین ترکیب نه آگاهی سیاه که درگیر مبارزه آزادی از امپریالیسم غرب بود نه زمان گذار آزادی اروپای شرقی. در حال مبارزه علیه توتالیتریزم روسیه که خود کمونیست میخواست. هیچیک در سطح اقتصادی باز نایستادند. این بهیچوجه درنگر فراموشی فلاکت است. اقتصاد ای توده‌ها نبود، در حالیکه انسان فقط با انسان زندگی نمیکند، برای رنده ما نند با بدنان دا کشته باعد.

مغذالک، بمحض بقدرت رسیدن، جدایی بین رهبران و توده‌ها - توده‌ها که خودجوشی انقلابیانشان بقدرت را برای آنان کس کرده بود - زیا شد، آنچه تا طله بیسن رهبران و توده‌ها را افزایش داد، جنگونگی صنعتی نمودن غیرسرمایه دارانه - چه خصوصی و چه دولتی - و در آن بر کشتش آزادیهای سیاسی و ادماه کنترل کارگری بر تولید و دولت بود. چیزی که آشکار گردید، وجود یک خلاه در فلسفه انقلاب بود. برچشم‌شوری راهی ما رکنس چنان قطب‌گرای عظیم و چنان قدرتی قوی درسیخ همبستگی بود، اکنون در به قدرت ما نند محدود شد. در واقع تمام انواع میا نهرها و جا یگزینیها با انضما مذهب، بکارگرفته شد. انقلابیاسا قط شدند.

همانطوریکه در سال ۱۹۵۹ در این جزوه عنوان کردم، نشوری ما رکنیستی آزادی چنان نیروی قطبی کننده قدرتمندی است که در سرتاسر خاورمیانه، آسیا و آفریقا مذا هب مختلف، بودا فیس، مسیحیت، محمدیت - سعی در یافتن پلی بسوی آن دارند، همچنانکه کوششهای مشابهی از سوی چین و روسیه کمونیستی در حال انجام است. ما همداردا دم که چون رهبران خرد بورژوازی و اقعیات مرحله جدید سرمایه دارانه - سرمایه دار دولتی - مقابل به نگرده بودند، مفهوم اعمال توده‌ها در مخالفت با آن سنگری جدید را درک نکرده بودند، بنابراین بد اطرز تکرار کهنه ای که کارگر را عقب افشاده میبندد اردا فتاده، آنها را گمراه میبندد.

کسیکه انقلاب توده‌ای ایران را به ضد مطلق آن - یک ضد انقلاب دگرگون کرد فقط آیت اله خمینی نبود. این خودچرا بود، زیرا بود که ما سر فزودن و در مقابل جایگزینی مذهب بعوض فلسفه انقلابیه به غصب انقلابیانش کمک کرد، چه این شامل حال کارگران، دهقانان، طالبان آزادی، نیا سالها آموزش و پرورش کرده در واقع همین سرخوردت سلیم طلبانه، مشخصه هر دوران به قدرت رسیده راهی ملی بود که به مدا سرمایه دارانه دولتی کمونیستی، قدرتی انضمی - متوسل شدند.

برای برخی از انقلابیون جهان سوم، جهان کمونیستی که سرمایه دار دولتی اش را چون ما رکنیست - لنیسم و انضوم میبازد، هنوز بعنوان یک قطب جا به عمل میبندد.

و با وجود اینکه توتالیتریزم از روسیه بعنوان "میراثی آهرمنی" بیرون از حیطه سرمایه دارانه - امپریالیستی ریگان نهیجسکار متغیاعند نمیکند، از آنجا که امروز امپریالیسم آمریکا دولی مطلق بر جهان است، حتی یک آیت اله خمینی هم موفق به معرفی خود بعنوان ضد امپریالیسم و ایالات متحده بعنوان "شیطان بزرگ" گشته است. هیچکدام از قرائر ما همداردا توده‌ها با بحرانها و واقعیات جهانی مقابل به نگرده.

نتیجه، با لحاظ کشیدن خودجوشش راهی ملی بوده گرانادا و نگاه کنید، که با پای خود کسب قدرت نمود و بیش از ۳۱ سال حطش کرد، و مع الوصف از یکی از امدادهای بر قدرت جهانی دنیا له روی کرده بمعنی سکوت در مورد مسائل جهانی دیا لکتیک انقلاب بود. در نتیجه هم فلسفه انقلاب به متغیاه رهبری" تنزل یافت و هم اینکه نیا بقدری تحت تسلط پیش "عقب افتادگی توده‌ها" قرار گرفته بودند که تمامی بحثها را از توده‌ها مخفی نگاه داشتند.

آیا چه اذ میتوانند با این امر مسلم و بیرونی شود که اولین گلوله ضد انقلاب از دوران حزب جدیدشلیک شد و لذا از هکنای تاج وازا میریالیسم آمریکا گشت؟ این حقیقت محضی که گلوله بقتل ما نند مورس بیضاب از سوی همکاران وی در رهبری حزب، به سرکردگی کورد و آستین، شلیک شدرا هیچ چیز نمیتواند منکون کند. همچنین کسی نمیتواند این امر گردنگاه که کسکه موردها جزا به رهبری تام در مقابل رهبری جمعی و متدرجی -

ناسیونالیسم، کمونیسم، مارکسیست - هومانیزم و انقلابات آفریقا - آسیایی

تبدیل نمیکند، تا دیده بگیرد، حال آنکه ما سه بر سر دیا لکتیک انقلاب است و اینکه برای خروج از بحران داخلی کوشش را بحرانیه که توسط بحرانهای بی شمار جهانی تعیین شده - چراهی انتخاب با بدگرده.

همانطور که تحلیل بردا ایده‌ها در ناسیونالیسم، کمونیسم و مارکسیست هومانیزم و انقلابات آفریقا - آسیا نشان میدهد، ما زمان او را ظهور جهان سوم بران بودیم که جهت گسب اطمینان از حرکت این جهان جدید - بلور و پرورش مرحله جدیدشناخت، همچون پروراندن مرحله جدیدی اقیانوس اقتصاد اهمیت دارد. اکنون حیا است که چه با خود و پرورش، نگاه میبگیریم و دو دهه گذشته را نگاه، و بیبندگی از ما نخستین انتشار جزوه حاضر، زمانیکه جهانی نوظهور کرد. حقیقتا چه چیزی نوین بوده، هیچ یک از قیامهای توده‌ای زفتاد نضما مت یا ابتکار، و یا عدم فداکاری توده‌ها و رهبران مخالف نبوده است. مع الوصف توده‌ها گذشته یک درامندگی در مقابل جان شت توده‌ها را آشکارا ساخته است. یک رابطه کلاسیک از نشوری به پرا تیک مورد مطالعه بود، در رابطه ای که منباش در چنین ایزرا تیک جدیدی که خودشکلای زنشوری است قرار داشت.

همانطور که از ما مرحله جدید تولید - اتوماسیون، که امروزه در اروپا و آمریکا "Robotics" نامیده شده است - کارگران آمریکا پی برسیده اند" چه نوع کاری با بسته مردان و زنان است؟ که منظورشان از طرح این سؤال، متخصص در مقابل غیرمتخصص نبود، بل این بود که چرا باید بیگاری زگری ویدی یک معجون جدایی ای موجود باشد؟ و همانطور که دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ را مرز توده‌های اروپا شرقی و ما مبارزاتشان علیه "مقررات کار" معیبرسرا کشیدن طوق برنام دولت تک حزبی را داشته، و بدنا تویلیسه دستنوشته‌های هومانیزم، مارکسیسم یا زگری نیز بر تاریخ قرار دادند، به همین نحو طیفه تریسین نیز پروراندن یک نقطه عزیمت نوین در نشوری، یک فلسفه انقلابیه و طیفه صرفا واری به فعالیتهای بیشتر و بیشتر نیست، گوییکه فعالیتهای خود میتوانند یک انقلاب اجتماعی کامل و موفق بیا آورند. نشوری فعالیتهای اشتراکی و همچنین خلاه که نمیتوانند "سرا" برداشته شود. این به فعالیتهای جهت میدهد. اصول هومانیزم مارکسیسم را هر عصری



میبا پیدری او خود پرورش دهد. نسل جدید انقلابیون نشینوا دنیا غوطه ور شدن در مبارزات نهرها و تجریدات بی‌پایه، از چنان مسئولیتی سر باز زدند، وقتی ما رکنس دردها از زنگاریش با عیار زگری غیر ملی و توتالیتهای جهت وحدت دوسا زمان سیاستی مواج شدند، در تقدیرنده خود را روزی تیک انقلابی یک انترناسیونالیسم جدا شده از مامل انقلاب در تداوم میتوانند مینا بی برای شکلیات شود. ۴

ما رکنس همداردا دم که در غیرا اینصورت میبا بدوحدت را به وحدت عمل علیه واقعیات موجود دگر در دوران این آشنا به پرورش نند نشوری بعنوان مینای وحدت اولیسی ادا مده داد، اول از همه، با لودن ذهن خود زوری بود.

برای ایلات یافتن کردن جان نشوری مرحله ای جدید در شناخت انسان میبا دیده توده‌ها نه فقط بعنوان نیرو بلکه همچون شعور، ادا عمدا دگال داشته باشد، یعنی عمدا با اینکه جنبش ایزرا تیک آنها بعنوان شکلی اننشوری در واقع خاکباز نیست که توده‌ها میتوانند در پروراندن یک نشوری جدید مشارکت کنند. این هما چهره پیمت کسه رهبریگرانادا، در حین مشا چره برسرا ااطلاص متغیاه رهبری بعوض مودولوزی دیا لکتیکی که از یک فلسفه انقلاب نشا، ت میگرد، افا قش بود. بدویان، رهبران بناچار در تله متوسل گردیدن با این با آن قدرت دولتی گرفتار شدند.

در شرق و غرب شمال و جنوب، تلاشهایی بمنظور بازسازی هومانیزم مارکسیسم برای عصر ما صورت گرفته که در آن نوا نه‌ها ای از یک جنبش بی‌خود وجود دارد. لذا سده مارکسیست در تجربه - از جمله دیگر کوششهای آفریقای - هزا ریزه‌گشتی، فعالان ادا دیده، و فعال انقلابی برای بحث حول بدنه نشورینها شت که توسط کارل مارکسیسم بنا گذاشته شده به گردهم آورد. این بحث با نند زگرافی گسترده بود" بر شیوه‌ها بی‌که تعصبات پدرا لاریا - جنس در آفریقا بطور روزافزونی در برسیه میشود" که نیز تمرکز کند، این شخص دادن یک نیروی انقلابی جدید یک شروع است، اما فقط یک شروع. ایبتکه جزوه حاضر میتواند ندبه دست و پنجه نرم کردن با نضما کسوتی بشمرند و تجدید تفکر در باره زچگونگی تکامل و وحدت نشوری ایزرا تیک بهیماه این نیروهای جدید انقلابی کند، توسط آموخته‌ها یعنی از آخرین نوشته‌های مارکسیسم، دفتراهای قوم‌شناسی - بشورت رسیده است. این بدان معنی است که عرفه مارکسیسم مارکسیست بعنوان یک مایه، بعنوان یک کلمر تویسم فکرو انقلابیه، توسط آن نوشته‌ها به تاید رسیده است.

نوشته‌ها بی‌که روی معطل زمان ما - جهان سوم - انگشت میگذارد. این نوشته‌ها، گسست ما رکنس از ما معیسه سرما به داری ونخستین کشف یک کلمر کواک ملانویس فکری که رسالت هومانیزمی ۱۹۴۴ او بر سر مرده بود، را جمع بندی میکنند. اینجا جان نش انقلابی او به ما معیسه ما به داری فقط به آنچه بر فزادش بود و قصد سرنگونی اش را داشت محدود نمیشود. برعکس چشما نندازبا شکوه ما رکنس در حین ایزرا تیک شده که در برچم انقلابان ر روا با نسا نوبیسیرا آشکار کرد که وی خواستار ش بود، از یک رابطه جدید بین مرد زن گرفته تا خاتمه جدا بی بین کار فکری ویدی آن چشما ننداز زرده ۱۹۵۰ نیا زبیک "انقلاب در تداوم" را نشا نگردد، و تا ۱۹۵۷ گروندریسه، و تکامل نیا نیت و نیز فزودن "حرکت مطلق شدن" متجس کرد. نوشته‌های از چرخما رکنس وجود "لحظات نوینی" را مکشوف میکنند که فلسفه انقلاب او را جمع بندی میبندد. یعنی بتان تمامیت پخشیده و نیز کتکترش، میبندد. از اینرو: ۱- مارکسیسم را زگری "حرکت مطلق شدن" نیا شست سرما به "واج تحلیلیش درکا پیتال که عظیمترین اثرش بود، حاوی یک شمولیت درکایی نیست که شرق میتواند از آن بیرونی کند، بلکه توصیف و حقیقت تاریخی روسای غربی است، اینککه از سوی کوششهای از جنبه تکنولوژی تکامل نیا فته میتوانند مسیرهای دیگری به انقلاب سرزند.

۲- دید چندی مارکسیسم از ۴۰ مرحله تکامل انسانی - "شوه تولید آسیایی" و نیز سریده برداری، فکسودالیزم و سرما به داری - را ههای بسا زنا زه ای به انقلاب با ز کرد. این را هها چنان فراوان و بقدری کتکتر بودند که در دهه ۱۹۵۰ که فقط چشما نند دریا ددا شتابش - آن حرکت مطلق شدن سال ۱۹۵۷، چون یک چشما نند از پرومتهای ادا مگان و حدتی از دواغیات بر شما زده شد: (وحدت کمونیسم بدوی و جامعه کمونیستی آنتیکامال یا فتهای اروپایک کلاسیک ملانویس انسانی.

این مسیر به دهه ۱۹۵۰، نه یک نسخه خا فرو ما ده است و نه تنها برای عصر ما و پرورنده شده بود، درهما نجا وجود داردا ما آرا برای عصر خود بیرونیسیم. این جزوه شا لوده چنان ارفیخته است. واضیاست که وقتی جهان سرمایه داری (خصوصی دولتی) استعمار یزیرحان زده امپریالیستی ۱۹۴۴، تجدید به لجام گسیختن از یک جامعه انتمی میبندد. (فا جهه ای که) انسانیتی که آرا شناخته ما برانا بود میبازد - فوریت زمان ما نند از نسل کمونیست انقلابیون مطیلبدنا به پراکسیس انقلابی، به فلسفه بعنوان عمل و عمل بعنوان فلسفه رو بیا روند.

بگذارید به یگزین طلیسها تمه دیدیم و بخاطر آفرینش روابط کلاسیک ملانویس انسانی ماری از استعمار خا لسا ز شتم جنسی و بدون تبعیض نوا بی به فلسفه "انقلاب در تداوم" مارکسیسم با زگردیم.

۱۵ فوریه ۱۹۸۴

۱- این جزوه ابتدا در اوت ۱۹۵۹ توسط نیوزاندلترز در دیترویت بجای برسیه دوسین در مه ۱۹۶۱ بهیماه یک مقدمه جدید و مطالب تازه ای که در اینجا ملاحظه میبندد، توسط "گروه بی" کلوب کارگری دانگا کمبریج در انگلستان تجدید چاپ گردید.

۲- نگاه کنید به مجموعه اینها به ساسی - فلسفی من در باره "ایران: انقلاب و فدا انقلاب"، که بین ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱ نوشته شد توسط انقلابیون ایرانی بیفاری ترجمه شد. همچنین نگاه کنید به مقدمه فارسی همین کتاب توسط نهل، از زمان تمام بحرانهای خاورمیانه، و وحشتناکترین آنها تجزیه و پیرایه اینسان است که حتی قبل از تجزیه و زمرگبار ۱۹۸۲ اسرائیل شروع شد. مقصود جنگ داخلی ۱۹۷۵-۶۶ است. نگاه کنید به نامه‌های سیاسی - فلسفی ۱۹۷۶-۸۱، بویژه نامه‌ها شماره ۶، تحت عنوان "لبنان، محکمه فقط برای سازمان آزادیبخش فلسطین، بلکه کل چپ".

۳- نگاه کنید به نامه ساسی - فلسفی من "فدا انقلاب و انقلاب در گرانادا، کارا تیک امروز، بوا لاش ۳ ساله جنبشهای ایزرا تیک که خودا شکلی اننشوری بودند". مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴. (قابل استیلا از انجمن آزادی).

۴- نگاه کنید به "تقدیرنا ما گنا" اثر مارکسیسم و تحلیل من از این سند عمیق در کتاب روزا لوکزا مورگ، آزادی زن و فلسفه انقلاب در کتب، فصل ۱۱، "فلسوف انقلاب و مینا بی جدید برای شکلیات مینا فریند".

۵- نگاه کنید به گزارش سید ادا، مو، مسئول کمیتهای بر گزار ی کنگرانس، در "اورنل مارکسیستی - آفریقای"، شماره ۴، سپتامبر ۱۹۸۳. این کنگرانس از ۱۴ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۳ برگزار گردید.

۶- نگاه کنید به "شمرن روزا لوکزا مورگ، آزادی زن، و فلسفه انقلاب مارکسیسم، تحت عنوان، نوشته‌های آخر مارکسی نشا تگریک مسیر به دهه ۱۹۸۰ هستند"، بویژه قسمت دوم از فصل در مورد "دفتراهای قوم‌شناسی" نا شناخته، پیش نویسی ا خواننده نشده نامه‌ها سولنجی و نیز مقدمه هم نشده ۱۹۸۲، ابرچاپ روسی ما نیفست کمونیست".

ناسیونالیسم، کمونیسم، مارکسیست - هومانیزم

و

انقلابات آفریقا - آسیا

اثر، رابا دونا بنسکا، نویسنده "ایران، انقلاب و ضد انقلاب"

مقدمه

میزبان: انجمن آزادی، تهریز علیه فتنی - حزب جمهوری اسلامی، هنجو انگلیسی، موزیچر است

و

پیشگفتار مترجم برپای لاریس

از انتشارات انجمن آزادی



از آرشیو تاریخ

بسیار از صفحه ۳

سلطانزاده: جنبش سندیکایی در ایران

گرفت اینتان را بر حسب حرفه‌ها نشان مشکل سازد، جلسه نماندگان حرفه دفتر عمومی نشان با نمود که مسا نشان مهمزاد توافق با دفتر اتحادیه تبریز، حل مینموند. بدین سان نه تنها رهبری ایدئولوژیک، بلکه همچنین رهبری عملی این سازمان وسیع که بدو خود پیش از ۱۲ هزار عضو دارد، ورده است، درست اتحادیه (حزب) است. مستقیمترین تصمیمات رهبرها و اعضای اتحادیه (حزب) است. مثلاً در سال گذشته بنا بر پیشنهاد اتحادیه، دریا را زحمتی ۲۰٪ کرایه مغازه زحمتی انقلابی تحقق یافت، و از اینجا ست ختم ما حیا ن مستغلات با زار (تبریز) ولی اینان قادر نبودند کار را کنند. دریا را زحمتی به تصمیم حزب کرایه کرایه قطعاً نه از پرداخت بیش از ۲۰٪ کرایه با سابقه سرپا زود.

ابتدا مخیرالسلطنه، بنیادینگی دولت، با توجه به محسوبیت عمومی اتحادیه، کوشش مجدداً بعمل آورد تا این سازمان را زیر نفوذ خود درآورد. ولی بدان موقع نگفت. و بهر آنرا اینکه در اکثر سال گذشته، بدینال ضریبانی که شهردار شهرداری از اعضای این سازمان وارد ساخته بود، اختلافی بین آنها و حزب را برطرف کرد. حزب راستاندا رخوات شهردار را برطرف کرد. از دو شخص دیگری را بجای وی منصوب کرد. اما نشان مقاومت نمود... جریان نزدیک بود به پستن سازار کسانده شود. (در ایران پستن سازار نظراً همبست اقتدا نیست همطرا و اعتصاب عمومی). در آخر ستاندار امتیازاتی (برسود حزب) قائل شد و مسئله خاتمه یافت. در سایر برنما طاقی اینان اتحادیه‌های کرایه مطابق همان روش تهران سازمان داده شده اند. نیرومندترین در میان آنها بنیادینگی اتحادیه کرایه در کارگران شلات دریا ما زدن را، این اتحادیه هزار عضو دارد، تعداد معمولی کارگران در حدود ۵۰۰ نفر است. در پشت انزلی و قم و غیره نیز اتحادیه‌های کرایه وجود دارد.

در مجموع در ایران ۲۰ هزار کارگر سازمان داده شده و وجود دارد. جنبش انکشافی برای اتحادیه‌های کرایه وضع اقتصاد دی بسیار سختی را که کارگران ایرانی با آن دستگیر می‌باشند، توضیح میدهد. اتحادیه‌های کرایه ایران علی‌رغم جوانی شان، در نیمه دوم سال ۱۹۲۱ چندین اعتصاب بسیار موفق سازمان دادند. و از جمله باید اعتصاب خیابان، کارگران چاپخانه‌ها، کارگران ریسندگی، بیست و تلگراف و تلفن تهران را یاد کرد. در انزلی اعتصاب کارگران بندر سازمان داده شد. همه این اعتصابات ماهیتی صرفاً اقتصادی دارند. و اما در مورد اعتصاب معلمین (۱۳ تیر ۱۹۲۲) روز بطول انجام می‌داد، این اعتصاب سرانجام شکل یک نمایش واقعا سیاسی علیه دولت را خود گرفت. دولتی که بمدت شش ماه پیرایه خفقان را با متوقف ساختن خود، نشانایات بمدت سه روز داده می‌افت. در این تظاهرات دانش آموزان نیز تعدادی از دی شرکت داشتند. همچنان عمومی در تهران بعداً علاقه‌مند بود. عاقبت دولتست نشانفت و بی‌اعتمادی بود. بدین حقوق آنها سرپا زد. ولی دیگر بسیا در برنده بود. یک نظر عظیم که در تاریخ ایران نخستین نمایش بزرگ بحساب می‌آید، موضع‌گرایانه قوام لسطنه را که از قبل متزلزل بود، در هم کوفت و ویرا مجبور با ستغنا ساخت. کابینه لیبیرال مشیرالاوله جای ویرا گرفت و قول داد یک سلسله اصلاحات را در کمال رای متحقق سازد.

با اینکه اتحادیه‌های کرایه در ایران از ضعفیست حقوقی برخوردار است، مقامات دولتی موانع بسیار در سر راه انکشاف آنها ایجاد میکنند. این مریبان (مستقاران) اروپایی هستند که پیش از همه در این جهت سرکوب شدید را مورد جرم میگردانند. یک سویدی بنام مولینوتورگه مدیریست و تلگراف است نواست انخلال موقتی اتحادیه کارمندان اداره تلگراف را برافرازد و دو مین کوشید پیچیدگان را نیز مشمول همین سرکوبت سازد. این مریبان علاوه بر دولتی، پیچیدگان جزوهای علیه مولینوتورگه استند و سرکوبتاری وی را خواستار شدند. مسئله در مجلس مطرح گردید. دولتی که جنب فونکسیونر خود را گرفت، اتحادیه‌های کرایه بکار تهیهی خود ادا دادند. در این زمان کابینه قوام لسطنه طی تصویبنامه شرکت کارمندان دولتی را در اتحادیه‌ها ممنوع ساخت این تصویبنامه مضمون فقرت بوده‌های مردم را رنگبخت و به موقوف کابینه منتهی شد. اتحادیه‌های کرایه ایفای نقش نسبتاً قابل ملاحظه‌ای را در زندگی سیاسی ایران آغاز میکنند. دفتر مرکزی اتحادیه‌های کرایه که در نوا میر ۱۹۲۱ بنا به گذار شد، اکنون مشغول سازمندی کارگران کارمندان نفت جنوب ایران، کارگران روز مزد و همچنین کارگران سایر برشته‌هاست. دفتر مرکزی وظیفه سنگینیست به عهده دارد، سازماندهی در کشورهای عقب افتاده‌ای چون ایران که اوضاع و احوال ویژه زندگی شیوه‌های سازماندهی و ویژه‌ای را مطالبه میکند نسبت به آنچه پس از دهها سال فعالیت سندیکایی در کشورهای اروپایی متداول گشت، متحدی متفاوت است. اما میدوایریم که با حمایت بین الملل سندیکاهای سرخ، جنبش سندیکایی ایران و وظایفی را که در برابرا بردارد، با موفقیت با انجام میرساند. تسلط نژاد

توضیح: در شماره ۱۰ انقلاب آزادی، ما تحت تسلط نژاد و انقلاب درخا و ر که ستاندا ریخی جنبش کرایه، سوپال دمکراسی و کمونیستی ایران، ما سناده، قید شده بود. از این اشتباه بوزن میطلبیم.

ایران و کتاب ۱۹۸۴

بعد از انقلاب از دواچ خیلی زیاده و ناگفته‌ها نمانده همین میزان درمطابق هم لارفته، میشه گفت که زهره از دواچ نقش با کمی کمتر منجر به طلاق شده و با زندگی را میگذرورند که از طلاق بدتره چون بدون شناختن به این کار میدهند. من دلم میخواهد در مقابلشون باستم و به تحصیل ما هم بدم که متاسفانه نه شرایط جور نمیشه... به نظرم جنگ ایران و عراق چیزکا مایلوچ و احفانهای است. جنگی که میتونن صلح کنن و شرایط مساعدی هم هست چرا به اون ادامه میدن؟ پس دلیلی دارن. به نظر من تا این جنگ وجود داره این حکومت کار مایلوچ است. کتاب ۱۹۸۴ جورج اورول را خوندم؟ دونه دونه مساللی را که پیش کویب کرده، جنبه تحقیق به خودش درآیروفته و ما با تن ویست خودمون را ریملمشون میکنیم. مردم با این جنگ مخالفن ولی کیه که در این موقعیت بتونه نظر خودش را بیان کنه؟ زن جوان - شیراز

متودولوژی

بعد از مطالعه صورت جلسه انجمن آزادی، از متودولوژی کار رشا حظ کردم. وقتی با سایر برجستات مقابله میکنم که یک نفر متکلم لوده است و بقیه شنونده، سرمسوت میگند که شما در عرض ۳ ساعت فطی ایچا دمیکیدتا همه صحبت کنند و کلماتی را میگویند. تئوری و پراتیک، گفتگو و آینه‌ها را هم میآورد. پیش خود گفتف در این تفکیرات که هم رهبرین جلسه اند، هم فعالاند، هم تئوریست، هم شنونده، هم تشریح فروش و کار فکری و پدیدجانیست. شما حتی حرفهای مخالفین را هم یادداشت میکنید و آنرا در صورت جلسه تان منعکس میکنید.

س. م.

من اخیراً از چندین رهبر با تجربه سازمانهای چپ شنیده‌ام که شکست چپ در انقلاب ایران تصمیم جوانانی بود که پایه سیاسی احزاب را خراب کردند و ما چرا جوشی کردیم. به نظر من که خود این رهبران ما چرا جوستند چون ما جوانان دیسیپلین سیاسی داریم، با شک و ادره در جریان سیاسی میجویم و مرتب آنرا امتحان میکنیم.

ما را رکن در باره مذهب

مطالعه مقدسه مارکس بر نقد فلسفه حقوق هگل - یکی از دستنوشته‌های اولیه او، دیدگاه مارکس از مذهب را بر این روشن ساخت چپ سنتی ایران همیشه این دیدگاه را تحریف کرده. حال آنکه ما رکن و فلسفه مذهب را آه انسان ستودیده میخواند، فلسفه خود را به ضدیت با خدا محدود نکرده در حقیقت نقش انسان را در عوض کردن شرایط و محیط مطرح میکند. قابل توجه اینجا ست که ما رکن در طول زندگی حاضرند به سازمانهای صرفاً ضد خدا (آتیه‌یست) بپیوندند.

پیوند

بروسه رشد فکری لنین

پس از شرکت در کلاسهای مارکسیست هوما نیم متوجه شدم نوشته‌های رایا دونا یسکا را در مورد دستنوشته‌های فلسفی لنین خیلی مهم است چرا که نشان میدهند لنین بطور ازیس مقبوض انترناسیونال دوم و رود رویی و روشنگری فکری چپ، در زمان خودش، با رکنست، به فلسفه هگل، یک تجدید سازماندهی در تفکرش بوجود میآورد. ما روزم ما با شرایط مشابهی مواجیم. بعد از انشعاب سازمان پیکار که من قبلاً هاش کار میکردم همه یکی یک منتخب آثار لنین در دستشان گرفته اند و تئوری سرکله هم میزنند. من به این فکر میکردم که چطور ممکن است یک حرف لنین دوتا معنی بدهد و ولی امروز میفهمم که آنها تنها به تئوری چپ سیده اند و او را بروسه رشد فکری لنین شنیده اند. بدین بروسه‌ها با عت مشود که تئوری از دل واقعیت جامعه بیرون بیاید.

ک. ز. شمال کالیفرنیا

حرفها و نظ

گرانادا و ایران: شباهتها؟

جزوه گرانادا انقلاب و ضد انقلاب را خواندم و به این فخر افتادم که چه در ایران چه در گرانادا درست در اوج انقلاب، یعنی زمانی که مبارزات مختلف و شوراهای خودجوش در حال رشد بودند، جبهه زوحدت، به معنی یوتاندن تضادهای درون انقلاب سخن میگفت. در صورتی که به نظر من در همین اوج انقلاب است که با ضد انقلاب از راه دتالیات فکری مختلف خود را برآوردند و مورد تفتا و تپهای خودیخت گرانادا ایچا در فرم آزادی برآید، توده‌ها را در بخشهای و تئوریک شرکت دهند تا ضد انقلاب نتواند انقلاب را مهار کند. مثلاً یکی از مساللی که در انقلاب ایران مطرح میشد این بود که ضد انقلاب میرا لیسیم واقعی چیست و اینکه چگونه نمیتوان مبارزه علیه امپریالیسم خارجی را از مبارزه بر علیه تضادهای درونی انقلاب جدا کرد.

انقلابی آفریقای جنوبی

راجع به جزوه زن آزدیدگا ما رکن ما رکن وجهان سوم و بطور کلی، فکرمیکند که امروزین از هر وقت دیگر نیازی در ریم به دوا ره تگری و انشعاب نشدند نسبت به شیوه برخورد به مسالل ایران. در این جهت انتقاد از حرکت فکری گذشته چپ و بخصوص اهمیت ندان به تحقیق و بدین مساللیان ایران به نظر من اساسی است. خلاصه کنم در ذهن هر یک از ما یک شاه و یک خمینی کوچک موجود است که با پدنا بودنش کرد. ندیدن مسالل زنان و بطبع برخورد مذهبی به سایر مسالل جنبش توسط نیروهای چپ و غیره هنوز درست و شیوه حزب توده (سرم) است. بطور خاص اما حرکت مثبت اخیرین روشنفکران و دانشجویان در جهت شکستن دکما و بدین کموده است که به نظر من میتوان دخیلی مثبت باشد. نشریات شما در این جهت حرکت میکنند و به نظر من خیلی مثبت است. بخصوص در مقابل رژیم مذهبی اخیر به نظر من نقش مبارزین زن اساسی است و با بخود را بدست مطرح کند (حتی به سایر برنیرها به تمحیل هم برسد). در نشریه تان که نظر نویسنده گان ما برآید نسبت به زنان در جواب این نظر مطرح کرده بودید بسیا مثبت است. به نظر من ارزش دارد که کار بیشتر روی آن بشود. تاثیر اجتماعی آن انقلابی جوانان احتمالاً بسیا مثبت خواهد بود و بخصوص انتقاد از آل احمد و شریعتی و غیره.

محقق

شمال کالیفرنیا

کسروی و انقلاب مشروطه

روحانیت و مذهب در مشروطیت هم مطرح بوده اند اما کسروی در کتابهاش میگوید مردم برای آزادی وطن مبارزه کرده اند. اما بنظر من دلایلی که مردم را وادار به انقلاب میکنند بسیا رنگرت تر از مذهب و آزادی وطن است. کسروی به خاطر ندیدن فلسفه رها فی و روابطشان با تاریخ، مرز تاریخی انقلاب و ضد انقلاب را نمی بیند و برآستی از ۱۹۱۱ به ۱۹۱۲ و سالهای بعد میبیرد. بسیاری همین تارخچه میچده ساله از با بجان تنها دارای ابعا دتظایمی است. او بجای کار بر مینای فلسفه، تنها یک سری اسناد و فتاوت ردیف کرده من بحرف کسروی موانع که در انقلاب مشروطه دلسوز کم بوده، اما دلسوزان به معنی شیبند و مبارزو... که زیاده داشته اند، کسی که ایده آزادی را پروراند و به بیان کند میدانم. دانشجو - سن حوزه

انتشارات قا

- نامهای فلسفی - سیاسی رایا دونا انقلاب و ضد انقلاب در ایران
- ناسیونالیسم - خصیصه کمون
- انقلابات آفریقا - آسیا
- زن به مشابه شعور و نیروی انقلاب
- زن از دیدگاه مارکس و نهفت آزادی زنان امروز
- دو انقلاب روسیه و یکبار دیگر در باره تئوری
- کمون در ریس - خصیصه کمون
- روشنفکران در عصر ما به داری دولتی (تقریر مارکوزه)
- انقلاب و آزادی (ارگان انجمن آزادی آسونان لفظی وجه نشریات را علاوه، مخارجی است)

خواننده عزیز:
جهت زبیدن بردن تقسیم کار فکری و سیاسی برای ما در راه، مطالب بنظر ت و کوا رضای خود را برای ما بفرستید. چنانچه این نشریه را انکسای از صنایع انقلابی خود میبینید، ما را در پیش آن با یی کنید. کمکهای مالی خود را به آدرس ما ارسال نماند

E&A
P.O. BOX 07101
Detroit, Mich. 48207, USA

برائت شما

کارآینه شده

در این جا مع مدام با ما میگویند که انسانها تنبلند و میخواهند کار کنند خیلی از ما سبک بیدار میشوند و شکر میخورند و سرگرمی میبرند. اما آنچه که از ما طلب میکنند آنست که انسانها از کار آینه شده "شوقه ما رکس در ۱۸۴۴ متوجه شدیم از هنر و خلافت انسان است متفرقت و اگر نه اگر قرار بود کار را نگونه که ما رکس از آن صحبت میکرد کار خلاصی همراه با وحدت کارگری ویدی باشد. هر انسانی با ذوق بدنبال کار میرفت - جا مع انسانی آینده باید چنین جا مع ای باشد.

فمنیست ایرانی - میشگان

انقلابیون چپ در خارج کشور اغلب دچار یک گجیبی شده اند. خود من نمونه آن هستم. مثلثان حتی دیگر جرات نمیکند خود مرا از رکسیت بخوانم چون مطمئن نیستند آنچه را که من خوانده ام با شنیده ام و اما تمام رکسیت ما را این دیگر قبول حرف دیگران بر ما خجیلی مشکل شده. اما این راه میداند که انبطوری نمیتوانم تدهجوقت هم آدم تنهایی به حقیقت میرسد. حد اقل چیزی که از چپ انتظار دارم اینست که بیاد سعی کند با کمک ما زمانهای حقوق بشر، این جوانهای در حال برای راکس در جنگ اشیرا را که اندر راه خارج برود و برای ایشان پناهی درست کند. عسبانی میبوشم وقتی میبینم این سلطنت طلبها هستند که سنگ دفاع از این جوانان را به سینه میزنند در صورتیکه چپ نشسته و با ترکیبی اش هیچ کار عملی هم در خارج از کشور نمیکند. نمیدانم چرا اگر کدام از این جوانها به خارج برسند، چه نیروی سهمگینی بر علیه رژیم خواهند بود.

زن جستجوگر
لوس آنجلس

اگر از یک چپی پرسیم که چکارها باید کرد؟ پاسخ او بسیار ساده است: "پرولتاریا و سازمان دادن وی". موضوع اینجا است که همه آزادی میخواهند، کارگران و زنان در ایران و در دنیا. به نظر من جهان بیانی آنجنم آزادیها جهان بیانی ما بر سازمانها تفاوت دارد و از این نظر مهمترین تفاوت اینست که قدرت و انقلاب را منحصر به پرولتاریا نمیدانند و تا کید مجیبی داره روی زنان و جوانان. بنا بر این نقط پرولتاریا آریا لانیست، بلکه همه نیز خواه هستند اینجاست که ما له متدولوژی خیلی مشکل میشه.

م- دانشجو

هم سوسیالیسم، هم دمکراسی

حجره انقلابات نشان داده که دولتها در مدت کوتاهی انحصار شده اند و شروع به چا پیدن کرده اند. امروز این سوال مطرح است که چطور میشه هم سوسیالیسم را داشت و هم دمکراسی را؟ به نظر من دمکراسی سوسیالیستی بهترین آلترناتیو است. منتهی چطور میشه آنها را با هم در آورد؟ ضد انقلابیونی هستند که به روی دولت جدید صلح میکنند و دولت برای حمایت خود دفاع آنان انحصاری میشود و زمانیکه این اتفاق افتاد، دیگر نمیتواند قدرت را از دست دولت چپ گرفت. به این مسائل قبل از انقلاب باید فکر بشه. پس میباید یکی از اهداف آنجنم آزادی - اینست که خودش را به مبارزه طبقاتی محدود نکرده و کل آزادی را در بر میگيرد و همه را متحد میکند.

ع- دانشجوی سن حوزه

با بدبین صحبت های روشنگران و وینا های افراد را بطه باشد. وقتی ببینیم که هشتاد و نه روز و نه روز ایران برای سربازان ازیت نام خودداری کرده اند و با بنید، دیگران آنها را بنیادکنان زنده و آنها را به مثابه معور بنیاد دید. مساله برقراری رابطه و درگ متقابل است و لویا هر فرجرف دن، یک نفر ممکن است کارگر نباشد، زن باشد، اما آن مسائل حیاتی را در زندگی خودش احساس میکند. جوان دانشجو - هیوارد

شرایط آوارگان ایرانی در شیخ نشینان خلیج

مطابق اطلاعات موثقی که ما در دست داریم هم اکنون عده زیادی از هموطنان ما که به دوسوی و بوظنی وارد شده اند از طریق پلیس دستگیر و در زندانهای این کشورها بسر میبرند. تعداد زیادی از ایشان توسط پلیسهای محلی به مقامات ایرانی تحویل داده شده اند. ما سعی میعدای از این ایرانیهای برگشت داده شده را در اختیار داریم. عده ای از ایشان در زندانهای رژیم بسر میبرند و از سرنوشته عده دیگر اطلاعاتی در دست نیست.

جا مع دفاع از حقوق بشر در ایران، در این رابطه با کمیسیونهای عالی فراریان سازمان ملل در ژنو، تماس گرفته و از ایشان درخواست نموده که با توجه به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و با توجه به اینکه وجدان آگاه بشریت متضمن، چنین توحشها را تحمل نمیتوان کرد.

بخاطر گرفتن تمام امکاناتی که در اختیار دارند و تحمیلیاتی فراهم آورند که این ایرانیان در دولت ایران تحویل داده نشوند، امکان برای پناهندهگان سیاسی را بشکوه های متنوع فراهم کرد.

جا مع دفاع از حقوق بشر در ایران

P.O. Box 752
D-1000 Berlin 15
West Germany

پیام دانشجویان کرد در تبعید

کردستان و عا ورمیا نه یکی از قابل انجا رترین مناطق جهانند، جنگ ویرانگر نه سال و نیمه ایران و عراق و عراق شرایط ترازیک کردستان سراسر ایران و عراق و همچنین حملات اخیر ترکیه به کردستان عراق را تحت الشماع قرار داده، جنگ خمینی بر علیه خلق کرد در ایران و جهان مدام به منظور غریب کردن کردستان عراق بیاد آور معاهده سنتو (CENTO) میباید... کردها از آغاز این قرن برای خود مختاری مبارزه کرده اند. قیام کردستان بر علیه سلطنت پهلوی به سال ۱۹۱۸-۱۹۱۹، قیام کردی در ترکیه در ۱۹۲۵، ۱۹۳۱، ۱۹۳۹ و بنیاد جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۶ در کردستان ایران و انقلاب سپتامبر ۱۹۷۵-۱۹۶۱ در کردستان عراق و تنها مثالهای چندانی که در این مبارزه طولانی و مسدوم برای آزادی میباشند.

Assoc. of Kurdish Students Abroad
P.O. Box 340217
Coral Gables, Florida 33134

کمک مالی برای کردستان

اطلاعیه کمیته کردستان

کمیته کردستان با زیرنگان ایرانی تقاضای ارسال کمک به کردستان نموده و در این اعلامیه گفته شده:

"کمیته کردستان که یکی از وظایفش را تامین اسباباد پزشکی برای کردستان انقلابی قرار داده است، دست خود را بسوی شما دراز نموده و شما در انجام این وظیفه انسانی طلبیاری نماید.

با ما تماس بگیرید تا لیست داروها و تجهیزات مورد نیاز را در اختیار شما قرار دهیم. ما به هر گونه کمک و راهنمایی شما نیازمندیم.

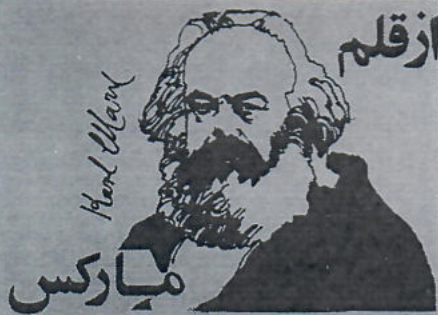
در همین حال از دیگر خوانندگان خواسته اند که "این اطلاعیه را بدست پزشکان و افراد دلاقمندی که میشناسید برسانید. با ما تماس بگیرید و ما را راهنمایی کنید که در این رابطه میتوانیم انجام دهد. مطلع سازید. بخاطر داشته باشید که کمک دارویی و مالی شما هر چقدر که کم باشد، میتواند نجات جان انسانهای در کردستان کمک کند.

کمیته کردستان - لس آنجلس
1250 S. La Cienega Blvd. Suite 191
L.A. 90035

بل ابتیاع از انجمن آزادی

آثار رایا دونایفسکا یا به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و لاتین:	نایفسکا یا در مورد:
یک تریلوژی (سه جلدی) انقلاب	۱/۵۰۰ دلار
مارکسیسم و آزادی: از ۱۹۲۶ تا امروز	۱۱/۰۰۰ دلار
فلسفه و انقلاب: از هگل تا مارکس تا مائو	۱۱/۰۰۰ دلار
روزا لوکزا مبورگه: آزادی زن و فلسفه انقلاب مارکس	۱۱/۰۰۰ دلار
مارکس و جهان سوم (انگلیسی) و بررسی آن (فارسی)	۱/۰۰۰ دلار
مارکسیسم و انقلاب در ایران - مروری بر آثار سلطان زاده و دهه آخر حیات مارکس (مقاله)	۵۰۰ سنت
بیانیته انجمن آزادی زن	۲۵۰ سنت
جنبش انقلابی خلق کرد در صفحات انقلاب و آزادی	۱/۰۰۰ دلار
نام	
آدرس	

مان سالیانه ۶/۰۰ دلار آدرس
سنت برای هر نشیبه (بهمراه این فرم آدرس مقابل ارسال دارید) E&A P.O. BOX 07101 Detroit, Mich. 48207, USA



درباره مسئله یهود

ترومردک خمینی که با دعوی نمایندگی مستقیم خدا در روی زمین، خردسالان ۱۲-۱۱ ساله را، بهمراه کلید طلایی "موجود بودن" و "طلب شما" در قتلگاه مخوف جنبه های جنگ با عراق میکند، با یک تعقیب از تمام آوارگ کرده است.

اینکه او پس گرای مذهبی کنونی، در ایران، از درون انقلاب و به هیبت یک ضد انقلاب بیرون زد، و اینکه این تاخت مذهبی امروز با سرور و ایستادگی جهانی خود گرفته و منحل آمریکای ریگان را هم شامل میگردد، نشان میدهد که مساله صرفا، یعنی به اعا رکهن نیست. بلکه هدفش مبارزیت است و به بند کشیدن ذهیت توده ها است. گسست با فریشتا ری مذهبی، انحراف، متضمن پیش نهادن یک فلسفه آزادی است که لایحه عزیمت

رها بی کامل انسان بر روی زمین است. ستون زیر کوبیده تلخیص شده رساله "درباره مساله یهود" مارکس است. اهمیت آن برای اپوزیسیون انقلابی علیه بربریت خمینی، بویژه از اینروست که مارکس در انتقاد خود از مذهب، منتقدین مذهب بر روی مهابت خود به نقد میکند. او تا کید میبورد که یک انقلاب سیاسی جهت تحصیل قیام مدنی برای یهودیان با اینکه ضروری است، اما کافی نیست. انقلاب سیاسی یهودیان را تنها به سطح شهروندان مسیحی میآورد. حال آنکه تحقق روابط کاملاً تازه انسانی، مستلزم اعلامی بودن انقلاب است.

مساله اینست که از نظرهای سیاسی کامل و مذهب چیست؟ اگر میبینیم در کشوری که سیاسی کامل بدست آورده، مذهب نه فقط ادامه وجود میدهد بلکه تسلط و نفوذ پیدا میکند. این ثابت میکند که موجودیت مذهب علنا قتل کامل دولت نیست. اما چون وجود مذهب حاکی از وجود یک نفس است، باید منبع این نفس را در مذهب خود دولت جست. مذهب دیگر نه بعنوان مینا بلکه چون تجلی محدودیت دنیوی پدید میآید. لذا ما قیام مذهبی شهروندان آزادی را توسط قیام دنیوی توفیق میدهیم. ما مدعی نیستیم که آنان بخاطر بر طرف کردن محدودیتهای دنیوی خویش با پیستی محدودیت مذهبی خود را مرتفع کنند. ما میگوئیم، بعضی اینکه آنها بر محدودیتهای دنیوی خویش چیره شوند، محدودیت مذهبی خویش را مرتفع خواهند کرد. ما مسائل دنیوی را به فقهی مبدل نمیکنیم، ما مسائل فقهی را به دنیوی تبدیل نمیکنیم. تا ریاض با ندا زه کانی در خرافات غوطه ور شده است. خرافات را در تاریخ غوطه ور میسازیم. برای ما مساله رابطه بین رها بی سیاسی و مذهب، مساله رابطه بین رها بی سیاسی و رها بی انسانی میشود. رها بی سیاسی از مذهب، رها بی انسانی و کامل از آن نیست، چرا که رها بی سیاسی شکل ناپی و مطلق رها بی انسانی نیست.

مذهب صرفا عبا رتست از تا کید معوج گونه انسان، یعنی از طریق یک واسطه دولت و اسپرین انسان و آزادی انسانی است. درست همانظور که مسیح از سطحی است که انسان تمام الوهیت خود را میباید قیام مذهبی را به سوی منتسب میکند دولت هم او را است که انسان عدم الوهیت و آزادی انسانی خود را تمام بدان محول میکند.

دولت سیاسی کامل یا فقهی یا به ما هیئت، عبا رتست از زندگی نوعی انسان در تقابل با زندگی مادی او. تمام پیش فرضهای این زندگی خود خواها نه همچون خصایل جا مع مدنی در درون جا مع مدنی که خارج از حیطه سیاسی است بچیات خودا دادا مع میدهند. در جا می که دولت سیاسی به کمال رسیده باشد، انسان نه فقط در تفکر، در آگاهی، بلکه در واقعیت، در هستی، از موجودیتهای دوگانه برخوردار میگردد. اما، او هم در اجتماع سیاسی جا فیکه خود را چون موجودی اجتماعی بشمارد و در زندگی میکند و هم در جا مع مدنی. جا فیکه او صرفا چون فردی خصوصی عمل میکند. براسا بر انسانها همچون وسیله رفتا ر میباید خود را تا حدیک وسیله تنزل داده و بدین به باز چینه نیروهای بیگانه نمیشود. دولت سیاسی نسبت به جا مع مدنی همانقدر روحانی است که نسبت به زمین. دولت سیاسی با جا مع مدنی همانقدر تافتا دندند است و بهمان وجه بر آن چیره میشود که مذهب بر محدودیتهای جهان خاکسی فائق میآید. یعنی بوجهی که با بد همواره اثرات فیسر دویا رها بی را نشانی کند و از جا زه دهد تا خود بر سلطه اش درآید. انسان دروا قیامت بلا قیام خود، در جا مع مدنی، موجودی دنیوی است. او دروا اینجا، جا فیکه هم در زند خود و هم دیگران را چون فردی واقعی ظاهر میشود. بدین معنی آ

رساله درباره مساله یهود ابتدا توسط اف. ق. در زمان انقلاب بفرایس ترجمه و چاپ شد، سپس در سال ۶۰ توسط هوا داران سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری تجدید چاپ گردید. معهدا ترجمه کنونی از نسخه انجام پذیرفته و حاوی تفاوتها با ترجمه قبلی است.



نوشته یویا

کاها مه مطالعات کردی مجموعه ایست از مقالاتی که...
بسیله فعالیتین جیتی خلق کردتیه و بتا ریخ دیماه
۱۳۴۲، از طرف مرکز تحقیقات استثنائی کردستان
مختصراً خیرا به دست ما رسیده است. این کاها مه، حاصل
پنجاهی طواری بین گروهی ز روشنفکران مستقل کرد
ترکیه بر عاریتی و پراکنش که به لحاظ عوامل ناشی
از بعد مختلف "ماله کرد"، یعنی ابعاد
کردی، منطقه‌ای و بین المللی گرد هم آمده اند.

در زمینه بعد کردی، سرفاله به...
فقدان تخصصین کردی آزادی اندیشه، پسر سر راه تحقیق
علمی توسط خود کردها آثاره میکند و میا ورد: "اما اگر
کردها همواره اولین قربانیان حکومت های خودکامه و
خاورمیانه بوده اند آیا میتوان گفت که خودشناسان
آزاد نشانه رفتار کردها ند؟" سرفاله بر این اصل کنه
اگر کردها خواهان کسب اعتبار بین المللی منصفانه ای
باشند، "هیرانشان با یاد عمل نشان دهنده رقابت
هارا... بنا دیده گرفته و واحد ملی بوجود آوردند

یک سوال حیاتی را مطرح میکند: "نقش روشنفکران
تحصیل کرده در این روند چیست؟" و در پاسخ آنجا میاید
علاوه بر ضرورت نوعی "استفاد از خود" نوعی دعوت به
بویستن به مبارزات خلق کرد است. سکوا ادر اینجا است
که شرکت روشنفکران در جنبش پرچم ساسی استوار باشد
آیا یکبار دیگر روشنفکران باید... کار تنها کردها...
با لایحه وظیفه اصلی گروهی کاروری پروراندن
ایداهای آزادی، که هرگز اینهمچون استقامت از متمدن
جنبش با الفعل توده ای کردستان زبانه میکشد. بیان
و ارتقاء آنها تا به حدیک فلسفه رهایی بخش عمل نماید؟

انتشار مطالعات کردی و دعوت روشنفکران کرد و
غیر کرد، تلاشی نوین و غایت است، اگر در زمینه بعد منطقه ای
و در انقلاب ایران، وجهه کنکرت توده ها خود را به شکل
شورای برابری خلقی ایران نشان داده چرا نزد
روشنفکران چنین نباید؟ امتد مطالعات کردی، حمایت توأم
با انتقاد است.
نخستین شما را به اسما عیال پیشگی روشنفکران کرد
که به مردم فاعا از خلق کرد دورتر کرده در زندان به سر
میرد، هدیه گردیده و شما به بعد نیز علاوه بر مقالات
ویرانی و فارسی، مقالات به زبان ترکی به طبع خواهد
رسید. سرفاله به روشنفکران غیر کردی که به خواسته های
خلق کرده دیده گرا بشتا جدا شکی طلبانه مینگرند:
"پایه میاید:

چرا شما دیگر کردها کشوری را از خود جداشته با شد. این
برای ما درک شدنی است که گروهی از روشنفکران
فاطمانه از روشنی های استقلال طلبانه جمعی کنه

نامه یک بهایی

من در یک کاها توده بهایی متولد شده ام و شا هدیده ام که
چگونه پیروان ادیان دیگر بغیر از اسلام همواره در
تنگرانی بسر میرند و نشسته اند و نندیدند و او همینه
و از اذانه به زندگی با اعتقادات خویش بپردازند. این
امری بخصوص همیشه برای بهاییان محسوس تر بود، چرا که
هیچگاه هم پیروان این آیین حتی قانونا روی کاغذ
هم رسمیت نداشت. طی این ۵ سال رژیم جمهوری اسلامی
مدها نفر از بهاییان را اعدام و سزای کرده و بسیاری از آنها را
از حبس بهایان روستا نشین را از همینی ساقط نموده
است. بغیر از آن دسته از بهاییان که امگا تا تداشته و
از ایران خارج شده اند، بقیه که اکثریت آنها بسوده
و عمدتاً از بهاییان تهیدست میباشند، هنوز در معرض
ظردا شکی، کشتار و تعقیب بسر میرند. برخی از آنها در
زندانیهای جمهوری اسلامی بوده و بقیه حتی در خانه هایشان
از تصور اینکه هر لحظه ممکن است به سرافشان بیا یسد،
خانه هایشان را غارت کنند و خودشان را ترویرا دستگیر
نمایند، آرامش ندارند. آنچه که این رژیم تراجعی بسر
سر بهاییان آورده، بر راستی که کشتارهای مذهبی قرون
وسطی را به دین نژاد میکند.

این وضعیت دفاع بدون قید و شرط از حق بهاییان را برای
زیستن با اعتقاد با خود و آرا و رفتارهای مذهبی، بیش
از هر زمانی بی رحسته میسازد. واقعیات چند ساله اخیر
نشان داد که بخش اعظم پوزیسیون چه ایران و اکثر
آنها چگونه "کم نیست" به خود گذاشته بودند. بجای
این دفاعی قید و شرط همواره در تعین به خرافات
خود
به درجاتی آفته به تفکر شدنیایی بوده اند. آنها حداکثر،
خواست ناقص و قابل تفسیر "آزادی مذهب" را مطرح
مینمودند و این اتفاقا هما چیزی است که رژیم هم در
قانونش نوشته است: یعنی آزادی مذاهب، تحت پرچم
اسلام. ناقص بودن و قابل تفسیر بودن این خواست
وقتی روشن میشود که توجه کنیم رژیم حاکم اسلا
بها شیت را بعنوان مذهب به رسمیت نشناخت. حال حتی
اگر این خواست را هم به فرض محال متحقق بینیم آنگاه
بهایانی ها بکلی خارج این آزادی قرار میگیرند. بدین
ترتیب اکثریت چه ایران با استنکاف از طرح خواست
مشخص و غیر قابل تفسیر جدیدی مذهب از دولت و مسازره
برای رژیم سیاسی ای که مذهب را مرخصی مردم تلقی
کند و لایحه وجود هر گونه مذهب رسمی و برابری کامل حقوق
قانونی کلیه افراد کشور، صرف نظر از اعتقاد به هر
مذهب با هیچگونه مذهب را بر رسمیت بشناود و در نتیجه
آزادی مذاهب را تضمین نماید، در تعین به جمهوری
اسلامی بوده در این عرصه مشخص دست در دست این رژیم
داشته است. به نظر من هر چه برای جامعه ترین مطالبه ای
که آزادی مذاهب را تا مین نماید، یعنی جدایی مذهب
از دولت، بخصوص در این شرایط که استبداد مذهبی،
شکل حکومت است، و جزو لاینفک مبارزه برای دموکراسی
است. ک. برزین.

Studia Kurdica
Institut Kurde de Paris
106 Rue Lafayette
75010 Paris, France

حاکم از عیش و روشنفکر کردی و در او اهمیت کسار
بندالمللی است. این آغاز خوبی میتواند باشد بر
تیدا و آنچه در انقلاب ایران، بیکار، در جنبش زنان به
شکل انتزاعی سونا لیسیم، ولوبیرا، مدتی کوتاه
تجربه شد. مطالعه تک مقالات مندرج در مطالعات
کردی را توصیه میکنم.
مفهوم دموکراسی و اصل خودمختاری از مباحثی است
رو بساده ای ارومیه و کردستان شمالی از ادبالی منسی،
محقق فرانسوی، تحلیل طبقاتی و جاسمه عراق از
حناطو، نگارش کوتاه در منشأ کردها از ن. بیکنس
کتابهای کردی و مباحث با بلما زکونی، مطالعاتی هستند
که در این شماره، به فارسی به چاپ رسیده اند.

معرفی یک نشریه جدید کرد

مروری بر «مطالعات کردی»

جمعیتشان از یک شهر کرد نشین... بیشتر نیست پیشینیانی
میکند. ما خواهان مبارزه کردها را آنکا نمیکند.
سوال در اینجا است که درک این عمل آیا برای یک
روشنفکر غیر کرد، نباید فقط در گروه مبارزات خلق کرد،
بلکه در بیان آن مبارزات یعنی فعالیت روشنفکران کرد
نیز چشم بخورد؟ کنکرت بودن این سوال که "آیا میتوان
از کردها بعنوان یک عامل اتحاد ادرا و در میان نسیم
گفت؟" نیز از همین جانشی شده ما سخن نه در آینده
که در امروز است، باید پوشیده کرد و غیر کردی بر سر
آزادی، در نبرد آینده درگیر شوند.
فرمی که سرفاله، به روشنفکران غربیانتقاد کرده که با
وجود نکه گویا از استقلال کردی برخوردارند ولی به
جهت فرعی نگاه کردن در شان، با حکومت های خودمکامند

مصاحبه با یلما زکونی تهیه کننده فیلم یول

یلما زکونی شهرت خود
را مدیون ساختن فیلم یول میباشد. اما در این مصاحبه خود
ببینی روشن و صریح به علل مبارزات و انگیزه های
مردمی میبدهد همین آثار ۱۸۸۸ نشان در زندان دیوار
بگر، بر اثر عدم غذا، جان خود را از دست داد. وی در
مورد مفهوم دولت تک ملیتی ترکیه، مبارزه کردهای
ترکیه و در رابطه کردستان و فلسطین چنین میاورد:
"دولتی را که شما دربارتان صحبت میکنید، دولت "ترکیه"
نیست بلکه دولت ترکیه است؛ با این درست است که طبقه
کارگران و دهقانان و بخش بزرگی از طبقات متوسط
در همه "ترکیه" ستم روا میدارند، با وجود این ستم، اهما،
سیاسی که امری همگانی است ستمناهی بر کردها اعمال
میشود، یعنی حقوق آنها به مثابه یک گروه قومی جداگانه
با اعمال میشود. من با این حرف موافقم یکی از اساسی
ترین کردن کشتها، در مقابل رژیم نظامی کنونی، جانب
کردها است. اما فکر میکنم تا درست خواهد بود اگر تصور
شود که این تنها مبارزه است، از این روشنفکران چشم
انداختن برای جنبش کرد، مبارزه ای مشترک با دیگر
نیروهایی پوزیسیون است. کردها به پیشینیانی غما این
نیروها نیز از ادبالی لعن. در این صورت اگر ما
بخوا هیامین همکاری نکرده، با پوزیسیون غیر کردی
بپذیرد که دولت ترکیه بخشی از کردستان را که در میان
چندین کشور منطقه تقسیم شده است اشغال نمسوده و
مستعمره خود کرده است. ببینید، من "ترکیه" فقهلی را
"ترکیه کردستان" مینامیزم زیرا اعتقاد دارم که آنها دو
کشور جداگانه و مردمانی متفاوت هستند.
با یاد این را پذیرفت که نیروهای زیاد در "ترکیه"
نیستند که قادر به قبول استقلال کردستان باشند. در
منطقه خاور میانه تمام دولتهای موجود حتی زکترین
اثارهای بهای موضوع دجا روحت میشوند. اتحاد
شوروی نیز با چنین طریخی مخالف است. در اینجا شاید
مناسب باشد که به موضع حزب توده ایران اشاره شود که
علیرغم تحت تعقیب قرار گرفتن از طرف ملاحا، هما و شواخ
کاملانگی خود را در قبال جنبش کرد حفظ کرده است. کردها
برای بدست آوردن حقوقشان را باید بر نیروی خودشان

درباره مسئله یهود

مهوم است. برعکس، دولت چا فیکه چون موجودی نوعی
باشما میاید، عضویتی که چا کمیت تخیلی است که از
زندگی واقعی فردی خویش تهی و با جا معیتی غیر واقعی
پرده شده است.
رها بی سیاسی یقینا معرف پیشرفتی بزرگ است. این
درواقع شکل نهایی رهایی انسانی نیست بلکه گام
نهایی برای انسانی است در درون چهارچوب نظام اجتماعی
حاکم است. نیازی به گفتن ندارم که ما در اینجا از رهایی
عملی واقعی صحبت میکنیم.
انسان با باراندن مذهب از قلمرو قانن عمومی به حیثه
قانن خصوصی است که خود را بطور سیاسی از مذهب رها
میازد.
از این رو رهایی سیاسی نه
طالبان آنگاه است.
در مواضع بالا گرفتند اعتماد بنفوس
زندگی سیاسی سنی دارد تا پیشینه ای خود جا معه
مدنی و معنای مرتشکیل دهنده اش - را خف کند و خویشتر را
چون زندگی نوعی راستین و هماهنگ انسان برقرار
نماید.
اما تنها با استقرار خود در تضادی قهرآمیز با شرایط
موجودیت خویش است که میتوان نده چنین مقصدی برد
با اعلام شمی بودن انقلاب.
رها بی سیاسی در عین حال عیار رست از انحلال جامعه
کهنه ای که قدرت حاکم، زندگی سیاسی بیگانه شده مرمان
بر آن استوار است. یک انقلاب سیاسی، انقلاب جامعه
مدنی است... انقلاب سیاسی جامعه مدنی را در عنصر
بنیادینش تحلیل برد، از یکسو افرا دوا زسوی دیگر
عنا صرفهنگی و مادی تشکیل دهنده زندگی تجربی و
وضعیت مدنی این افراد.
ولی آزادی انسان خودخواه، و شناسایی این آزادی،
شناسایی حرکت آفته عنا صرفهنگی و مادی ای است که
محتوی زندگی او را شکل میدهند.
لذا انسان از مذهب آزادند. او آزادی مذهبی در یافت
کرد. اما لکیت آزادی دند. آزادی مالکیت بدست آورد
از خودخواهی تجارت آزادند. آزادی تجارت در یافت
کرد.
..... انقلاب سیاسی، جامعه مدنی را در عنا مرش تحلیل
بردی است که خود را عینا مررا انقلابی کند دنیا اینکه مورد
انتقاد قراران دهد. این انقلاب جامعه مدنی عرصه
نهایی مذهبهای انسانی، کار، معنا، پیش خصوصی و قانن مدنی
را چون مبنای هستی خود، چون پیش شرطی خودکفا، و لذا
بعنوان مبنای طبیعی قلمداد میکند. سرانجام انسان
چون عضو جامعه مدنی با انسان راستین، با انسان متمایز
از شهروند، همان میگردد چرا که انسانی است در هستی

حسوس، فردی و بلاواسطه خود، حال آنکه انسان سیاسی
انسانی است تجربی و موضوعی، انسان بعنوان شخصی
مجازی و معنوی، از اینرو انسان با لواقع موجود،
فقط بشکل انسانی خودخواه، و انسان در طبیعت حقیقی
خود فقط بشکل شهروندی مجرد تفهیم میشود.
هر رها شدنی، بمنزله استحاله جهان انسانی و روابط
انسانی به خودشان است.
رها بی سیاسی از یکسو استحاله انسان به عضو جامعه مدنی
شهروندی، به شخصی معنوی.
تنها از نیکه فرد واقعی، شهروند مجرد را جذب وجود خود
کند، و فیکه بعنوان یک فرد زندگی روزمره، در کار،
درواقع باطن به بودگی نوعی تبدیل شده باشد و فیکه
نیروهای خود را چون نیروهای اجتماعی تشخیص داد و
با زماندهی کند، بطوریکه دیگران این نیروی اجتماعی
را چون نیروی سیاسی از خود جدا نکند، تنها در جهان
موقعی است که رها بی انسانی کامل خواهد شد.

چشم انتقابی خلق کرد

انقلاب و آزادی

تهیه کننده فیلم یول

تکیه کنند. ما بلم بعنوان مثال شما را به قضیه فلسطین
رجوع مدهم. بیست سال و حتی با زنده سال پیش کذا میک
از حکومتی اروپا، آینه ده دولت فلسطینی را
میپذیرفتند؟ اما امروز پیش از هر چه برکت مبارزه
خلق فلسطین، وضع فرق کرده است.
بهر طرف را موش نگیند که کردها برخلاف فلسطینیها که بزور
از کشور خودشان را نده شده اند. در سرزمینهای خوششان
زندگی میکنند و بنا بر این در موقعیت استراتژیکی
بمرا تکت مناسبتی قرار دارند.
یلما زکونی در مورد اینکه کردها در ایران و عراق
خواستار خودمختاری در چارچوب دولتهای موجود کنونی
هستند و ما به دولت مستقل کرد میگوید:
"بناظر من خواستهای کردها، چه در ترکیه، چه در ایران، چه
در عراق و غیره... تنها میتوان زگانا را یک پروژه
تحقق پاید. اما انتظار میکنم تا پیشینما "خودمختار"
در ایران و عراق چه بدست میاید. به دیگر سخن من، هیچ
راه حل "بهای" یا قطعی پیشینما نمیکند. این خلش
کردها است که در پروژه مبارزه خود با بدر باره مزیت زبان
این بیان را راه حل تصمیم بگیرد. تا آنجا فیکه به "ترکیه"
مربوط میشود من در مرحله کنونی، فکر میکنم بهترین
آنست که برای یک جمهوری متحد کردها و ترکیه مبارزه
شود اما من این مرحله را چون یک مرحله گذرا میبینم،
زمانیکه موقعیت برسد و این مبارزه مشترک به پیشروی
برسد. آنگاه کردها حق انتخاب تصمیم گیری در مورد
سروشخت خویش را خواهند داشت که به همزیستی با ترکیه
ادامه دهد یا دولت مستقل تشکیل دهند.
و با لایحه در مورد نشی سیاسی خود و فعالیت هر
بعنوان فیلم ساز میگوید:
جنبشهای سیاسی از زمان شکل شده اند که شامل
هده افتار و روابط جامعه میشوند، در این جنبشها، میتوان
کارگران، معلمان، دهقانان، هنرمندان و غیره را مشاهده
نمود. من شخا همیشه هنر را بعنوان وسیله ای مهم در
مبارزه خلق برای آزادی اش تلقی کرده ام با وجود این
نیاید، این دورا با هم مخلوط کرد، هنر میتوان نده عمل
سیاسی کمک کند اما میتوان ندها نشین سیاسی ست کرد.

بقیه از صفحه ۷

زبان کردستان سخن منگویند
زبان زکردها برای تعیین روش خود هموز
ادامه دارد.
حکمت هفتمی ترکمن حرا
گوشه نشین تورکمن میگویند،
کارول مارکس در مانی و لیسیتان
لفظ برای ابتیاع این مجموعه مبلغ دلار
نسخ آزادی ایران را دارد.

چشم انتقابی خلق کرد
انقلاب و آزادی

انجمن آزادی

بقیه از صفحه ۲

زن و جنسیت

مبارزات زنان بر علیه برده داری در آمریکا، مبارزات آنها در طی قرنهای ۱۹ در آمریکا، اروپا و خصوصاً کمون آریس بکلی یکپارچه نگاشته میشود و نمایی است که از آنجا که زن در قرن ۲۰ و شرکت زن در تظاهرات اعتراضی و انقلابات عمر با بکلی فراموش نمیشود. چنین دیدگاهی از فلسفه اگزیستانسیالیسم دیوبورو و چرخه میگرد که بر مبنای انسان را بعنوان نیروی متفکر انقلابی نمیدیدند، به نظر دیوبورو از آنجا که مشکل زن از نظر مردسالاری منتهی میشود، طبعاً هم بدست مرد است اما سوالی که در کمیته زنان از طرف یکی از افراد بدستی مطرح شد آن بود که چرا ما پدما زنها را مردها به نظر می آوریم بر ما تسلیم کرده اند؟ منتوقه داشته باشیم که زنها را درک کنند و بخواهند آنها را آزاد سازند. بعضی آنکه خود برای آزادی زن - و در نهایت تمام اجتماع قدامت کنیم؟ *

زن به مثابه شعور انقلاب

بعد از مطرح شدن آنها را این سه نویسنده در جلسه کا تا گوری زن به مثابه شعور و نیروی انقلاب در فلسفه مارکسیست - هوما نیسود که از من خیلی روشنفکر و متوجه عدم چرایی او دنیا بیسکای در کتاب روزا لوکزا میسورگ نهضت آزادی زن و فلسفه انقلاب مارکس در تحلیل خود از نهضت آزادی زن اینجمله تلاش در نشان دادن راه هم بعنوان متفکر و هم بر زور انقلابات و تظاهرات در قرن اخیر برای خواستندگان میسود. مسئله آنست که اگر میخواهیم مثل فاطمه مرتضی و نوال سعادی یکی دیگر را این اشتباه را مرتکب شویم که کشورهای کمونیستی را غایت آزادی زن و مرد تلقی کنیم و اگر میخواهیم این را اسپرست و باستانه بیولوژی بدین وجه و ما مردسالاری نگاریم - اما اینکه تا ریح عین این مسئله را نشان میدهند با بصورت ما مشاهده بیرون کشیدن مبارزات و خصوصاً افکار زنان ایرانی در قرن ۱۹ در انقلاب مشروطه و خصوصاً انقلاب اخیر تنها راهی است که بتوانیم پتانسیل و نقش تعیین کننده زن در تغییر زمینه های "مفنی" تحمیل شده از طرف آیدنه یا به بیوی کنیم.

- ۱- این روزها بحث دائمی در مورد فروپاشی تشریفات غریبی جریان دارد که موجب فرود ریزگی و جانی ریشه را از حیثیای روانی را در افراتحافات و تها و همای جنسی و اردیوگودکان میانه نستمین نظریه ها و کنش خاصه که ما مع پریشکی زبور می شود در نتیجه فروپاشی عقاید قبلی خود بر ما سنجیده با لیبنی را بکننا رکذا شده و تهازی وجود خود را از عینا زد که موجب بحرانهای روانی و وجودی در زنان ریشه در تها و تها جنسی و نه واقعیت تها و زات جنسی دوران کودکی دارد.
- ۲- به منظور کنترل تولد از هر جا که خواسته میشود که تنها یک فرزند داشته باشد، اما آنجا که کما نوده فرا نو فرزند تیرا ترجیح میدهند و نوا دان دختر - خصوصاً در روستا ها پشلت می رسند.

- ۳- برای نقاد سعادی رجوع کنید به انقلاب و آزادی شماره ۶.
 - در سفر اخیر سعادی و به آمریکا یکی از اعضای انجمن آزادی زن به برخوردی نسبت به دولت خمینی در چند سال گذشته اشاره کرده و سعادی به اشتباه خود را این مورد اعتراف نمود. متأسفانه تها بنیادهای فلسفی فکری
- *****
- ### از زبان یک عضو جدید انجمن آزادی
- *****

انقلاب ایران و شرکت در جنب و جوش جوانان ایرانی خارج از کشور با عین توجه من به مارکسیست - لنینیسمی شده همیشه بعنوان پدیده ای انترناسیونالیستی در نظر من بسته بودیم شروع مطالعه ما تنها از زمان پیکار آشنا شدیم در صحبتی که با یکی از رهبران ایران این سازمان داشتیم احساس کردم که اینها سخنانی سواست من است. بدین صورت شروع به شرکت در جلسات نشان کردم. در دیدار اولیه پیکار با قبول یک سری مسئولیت های پدی احساس نزدیکی در بین پیدا شد و آنها را ما شرکت در جلسات هفتگی متوجه شدیم که این نزدیکی یکطرفه است، چون سوال های من همیشه با "کمونیست" که سیاسی و مرا جمعه دادنم به یک سری کتب که به نحوی تزیین مواقع ضعیفان بود یا بخ داده میشد، وجود شکاف عمیق در رهبران و هواداران و سهم نبودن آنان در تصمیمات و بحث ها با عین بیسک احساس دلپره در برخورد با افرادی از سازمان شده بود از این رو او فرادین سازمان همیشه در مقابل عمل انجام شده از طرف با لقا را می گرفتند. بعد از آن شعاب در پیکار و جوشان جنبش یک پیکار احساس شک و تردید نسبت به سازمان پیدا کرده بودم. با بقا بقا گذشتن عملکرد چپ در رابطه با کارگران این احساس قوی تر میشد. آنگاه من با رکیست هوما نیسود و انجمن آزادی آشنا شدم من با مارکس و تشکیلات مارکسیستی بود. منتهی ما رکن جوان، نه مارکس پیر، بلکه تکامل تمامیت مارکس پیر ای عرصه، دیگر تشکیلات نقش را در برزگرتر سازمان داشت بلکه بی نظریای بیونی از آنجا که بیسکای یکدیگر بود. به عبارت دیگر این رابطه ایجا دکشنده محیطی بود که در آن بیانی ایده ها و افکار (نه انتقادهای خشک) خالی از هرگونه دلپره بود. از بیله ای که در آن هیچوقت خودم را خارج از تشکیلات حس نکردم محیطی که دیگر مارکسیست به صورت انتزاعی نبود بلکه در رابطه با پیکار تیک روزمره کنکرت و کنکرت سر مشد.

اکنون که با انجمن آزادی و مارکسیست هوما نیسود کار می کنم خودم در مقابل بی دریغی او پدیده ها و افکار انقلابی می بینم که تا به حال آنها را در کتاب منتهی جتجو می کردم. آن در کوزه و ما تشنه لبان نمی کشیم.

پیام

البته با این تفاهت که ما خود را کمونیست میورکاتیک زن انداخته بلکه در کتاب حقوق دیوگورا تیک زن خواهان دگرگونی روابط اجتماعی میان زنان و مردان هستیم و دارای دو گونه مبارزه میباشیم. یکی مبارزه روزانه برای تغییر وضعیت و قرارگاه اجتماعی زنان در تاریخ. یعنی مبارزه با مناسبات مردسالاری برای رهایی زنان. زیرا معتقدیم اگر مبارزه فقط مبارزه دیوگورا تیک باشد مبارزه برای رهایی زنان مفهومی ندارد و برای هر دو مبارزه درگردد با محور حرکتمان را زنان کارگر قرار ندهیم بلکه تمامی زنان، بهر حال این اختلاف نظرها و سایر مسائل چپ سنتی که عیناً متأسفانه نیاید به پیش ما را برانداخته که نتوانیم راه مشترکی را طی کنیم. بنا بر این در سیمینارها نور تصمیم بر آن شد که فعلاً به یکدیگر وقت بدهیم تا هر گروهی در نظرات خود مروری مجدد نماید و بدینوسیله بتوانیم با یکدیگر کار مشترک را آغاز کنیم. اگرچه کمیته ای از افراد مطرح نیست ولی از نظر اطلاعات کلی با یکدیگر که خوشبختانه تعداد اندکی که در این گروه فکر میکنند در حقیقت "مسئله زنان" مسئله کارگران است. بسیار محکم بود در این جنبش تا به پیش از این ۱۵ نفر با شد در حالیکه نظریه گروسیع تریسود و تقریباً کل زنان فعال را در بر میگردد برای آشنا کسی بیشتر با هر دو نظریه ما نوشته ای داشتیم تحت عنوان گزارش ششمین سیمینار زنان و نظرات ما که بصورت یک بروشور کوچک است و زنان دیگری اعلامیه بیرون دادند.

بعد از سیمینارها - - - - -

اکتبر در برلین سیمینار دیگری بود که مقالاتی در باره فضا و مسئله یکبارت خوانده شد. این دو مقاله با فضا به سایر مقالات جنبش در یک کتاب چاپ خواهد شد و برای بیان مفهومی در برلین بر مسئله سیمینار برای زنان خارج از کشور بحث کردیم و نتیجه اینکه ما در نظر داریم در تابستان آینده اگر امکانات مالی همگی اجازه دهد یک سیمینار برای از کلیه زنان جنبش های مستقل در فرانسه داشته باشیم که هم عموماً می کنیم در این سیمینار شرکت کنند و آن موقع نظرات خودتان را در رابطه با موضوع های بحث سیمینار و اولاً سرگاری چنین سیمینار برای ما فرستید.

و اما در فرا انکورت ششمین سیمینار "شب اطلاعات در پاره زنان ایرانی" داشتیم که سیمینارها حزب Greens سیزده برای ما تدارک دیدند و همگی با هم شب سیمینار موفق را برگزار کردیم.

ما دارای یک کار تریزنا در فرا انکورت هستیم بسیار. در آن فعالیت دارند و با لقا و رهبری موسیقی ایرانی حدود ۳۰ نفر شرکت کرده بودند و اکثر آنها بی بودند و از گروه ها و روزنامه های مختلف بودند. اینها نیز از یاد می نیر شرکت کرده بودند. در اطراف این نشست بحث های فراوانی در باره نگاه و کوی های دانشجویی بین طرفداران

عوض نشوند و همطور که در تاریخ ایران شاهد بوده ایم این اشتباه بنوعی دیگر تکرار خواهد شد.

(۴) - رجوع کنید به "نهضت آزادی زن" در جستجوی یک تئوری چکیده یک دهه در زن آزدیدگاه ما رکن و نهضت آزادی زنان امروز از انتشارات انجمن آزادی زن.

سه تشریح خوانندگی:

ویشش در حزب کمونیست ایران

یک بررسی از گزارشات درون اولین حزب کمونیست ایران در سالهای ۱۹۲۰ که توسط عده ای از رهبران سازمان وحدت کمونیست ایران در بیان تهیه شده است.

زمینه های گذار به نظام تک حزبی در روسیه شوروی نوشته حمید شوکت

شامل برداشتهای است از عوامل تاریخی تسلط بوروکراسی تک حزبی پس از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه. Shokat 1343 Powell St. Emeryville CA 94608

پدریت غاصب منشاء استم کشیدگی ویژه زنان نوشته دکتر آزاده آزاد P. Faustini 175 Y. P.O. Box 1575 Vancouver B.C. Montreal, Canada H2P 2V4

در شماره آینده:

جنبشهای انقلابی و ریشه های مارکسیسم در عراق

مروری بر شرح مع حنا بطاطو

گزارش از جنبش مستقل زنان ایرانی در آلمان

بقیه از صفحه ۲

و مخالفان جنبش زنان در گرفت (افرادیکه بحث میکنند اکثر آنها مردها هستند) خلاصه دوستان عزیز خوشبختانه در حال حاضر جنبش در محلی و با خانه ای و با دیدگاهها و جسود ندا زد که بخش عمده آن را جمع به زنان است و نشاء شجاع از طرف چپ سنتی و چپ غیر مارکس و سوا فرآدمحور بحثها است که مسئله ای بنام مسئله زنان وجود دارد و داشته بخش خصوصی در ایران و در این رابطه وجود جنبش زنان ضرورت دارد. (اما نظرات متعددی وجود دارد که این جنبش چگونه باید باشد یا وابسته باشد یا مستقل. اگر مستقل است چگونه باشد و چه چیزها را داشته باشد یا نداشته باشد یا غیر مستقل چگونه باشد یا بدون برخورد کرد. آیا جنبش مستقل زنان برای همه زنان است و یا فقط و فقط زنان باید داشته باشد. اصولاً تمیز نیست چیست زنان را میبایست با یکدیگر داشته باشد یا نه. با لقا به ستم بر زنان با نگاه طبقاتی در اروپا خیرا نکلس چه میگوید، ما رکن چه میگوید، چپ سنتی با زنان چه کرده است آیا انتقاد دیدن و وارد است، ما چه میگوئیم، دیگران چه میگویند و غیره و غیره همچنین ما دارای یک رویه میباشیم بنفش با سلامت زنان را مضمی درون آن میباشیم که هر هفته در دانشگاه روی میز کتاب است و ندا ختنه کتابها بهمان میفرستیم و ما اعلامیه اگر داشته باشیم میفرستیم. بعضی دیگر زنان دارای پرچم سرخ بوده و علامت تمیز نیستند دارند بر سر این رنگ و علامت همیشه بحث است عده ای از مردان به خیال خود برای آزادی از فمینیسم بعنوان مردمان و فحش استفاده میکنند و عده ای دیگر که با زهم تعداد دشمن شتر است ما را فمینیست نامیده و ما را چنانقدری میکنند. خلاصه باطلی است که در مجموع بعد از این دو سال برای ما بسیار موفقیت آمیز بوده.

همانطور که قبلاً نوشته بودم لطفاً در این نظرات ما رکن را جمع به زنان آنچه که مطلب در این دیدار فرستیدیم هنوز وارد این بحث نشده است و ما منابع کافی برای ما ضروری است کتابهای شما همگی در روی میز کتابت خیلی خوب فروش میروند فقط متأسفانه آنها را در شهرهای دیگر ندارند. شعی در فرا انکورت مشغول ترجمه بخش از کتاب رزا لوکزا میورگ آزادی زن و فلسفه انقلاب مارکس با فارسی میباشد... لطفاً اگر بفرمایید بخشهایی از آن را ترجمه کرده یا هر چه زودتر برای ما فرستید... در ضمن گزارش سیمینار برای شما را که قبلاً به زنان انگلیسی برای ما فرستاده بودید به آلمانی ترجمه کرده ایم و فرآ را در تک ریز بروشور چاپ شده که با دریافت روزنامه شما را در انقلاب آزادی زن چاپ کردیم. ما هم بدان آگاه میباشیم و چاپ میباشیم. حدوده ۵۰۰ عدد قرار است چاپ شود.

با مشغول جمع آوری مطلب را جمع به فروغ فرخزاد هستیم تا همه فارسی و هم آلمانی کتابی در باره او و تها و تها چاپ میباشیم. اگر تمیزی در مورد او یا سایر عرصه های دیگر ما فرستید و نظریه العین، زنده تها و غیره را در بر ما فرستید و در حقیقت مشغول کار روی ادبیات زنان میباشیم.

موفق باشید
الف
از جنبش مستقل زنان
ایرانی در خارج از کشور
(آلمان غربی)

تظاهرات ضد جنگ

در لوس آنجلس

ظهور سازمان درست بخاطر جلوگیری از انکشاف درونی و بسط انقلاب در منطقه بود که در زمینه های مبنی و صد ام حسین، هر یک بنویسند. آنش این جنگ هولناک از افروختن قدرت های بین المللی نیز سرخوش از آنک را با سازمان، همزمان با این معرکه جهانی گشتند. جهان هراسان از گسترش جنگ خلیج به فاجعه برخوردیدین دوا بر قدرت اتمی است.

خمینی، این سبل خون و فلات اقتصاد میمنتاً از جنگ را "برکت الهی" میباید. "مومنتی جوانان را از زرخوت وستی نجات میدهد." خمینی جنایت پیشه را چه بساک زمانه که هر روز دسته دسته جوانان نورسته در میاند جنگ میبازرند. جمهوری خواهان اقدام را چه باک اگر هر روز در دستا نجا می که ایچان آغا در مقابل واپس گرا می و تارک اندیشی جمهوری اسلامی سترگ هستند و به توهم گسترده نیاید بودند. جنایت دیگری میفرستند.

مصور کردن زنان در زیر بار محسوس کردن آنها در خانه درست بخاطر این است که زنان قبل از همه گفتند "ما انقلاب کردیم تا به عقب برگردیم." قصد خمینی تا بودی نسل جوان نیست که حاصل انقلاب ایران بود.

شهرهای جنوبی غربی ایران در آنش این سیمینست سیمینک میسوزند و روز به روز بر شمار کشتگان، زخمیان معلولین و آوارگان افزوده میشود. روزی نسبت به سر ساکتین بی دقا شهرها و روستاها با ران گلوله و بمب نیا زد و خا به مردان در مرمز برخورد کردند.

تعدادی شما کشتگان - قریب به نیم میلیون نفر - استفاده از بمب های شیمیایی توسط عراق و رفتار شکنجه آمیز روحی و جسمی با سراسر ایران از زمان دوجنگ جهانی تا اکنون بسیار بقیه بوده است. شالوده اقتصادی در دوشور و در بیست تا بودی کامل است و هر روز بر خیل بیگانگان کمبود ما محتاج عمومی و فساد اجتماعی افزوده میشود. اما یک جنگ داخلی کمالات پوشیده - نیز بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در جریان است، بخاطر هراس از طغیان مردم، خمینی مجبور است بر استمرار جنگ و "تخفیر سیمین المقدس از طریق بغداد" با فشاری کند. خمینی بطاخر جلوگیری از انقلاب دائم جنگ دائم را پذیرفته است چرا که او پایا این جنگ را پایا این محتوم خود میداند. و این پایا این شروع میشود!

ایرانیان آزادیخواه - بیایید با شرکت در اولین تظاهرات ضد جنگ - نفرت و تها را خود نسبت به این جنگ و همبستگی خود با تها های رنج دیده ایران و عراق را اعلام کرده و خواهان پایا این بخشیدن به این جنگ و برانگیز شویم.

کمیته ضد جنگ ایران و عراق

چشم انداز ۸۵ - ۱۹۸۴:

دهه ۱۹۸۰ به کجا می رود؟

بقیه از صفحه اول

دارند و این تعداد طی چند سال آینده ۴ برابر خواهد شد.

مفاهیم مترادف سوب ریگان را نیز باید به این تصویر تاریک افزود. این مفاهیم شامل ۲ میلیون آوارگی بی خانمان است که فقط در بریکرینده مردان تنه دست (سالهای ۱۹۳۰) بلکه زنان، جوانان و خانواده‌ها نیز هست.

یکی از تفاضلهای عظیم رژیم ریگان این است که زطرسی برای پیروزی در انتخابات، اذهان مردم را از بحران اقتصادی در داخل آمریکا منحرف کرده و آن را به بحران خارجی سوق میدهد. بدین خیال که قافله در شرف جاسوسی است و خارجیشان را به گردن دیکر آنها انداخته و آنها را به احساسات میهن پرستانه موشکدر حملاتش به گروانان دارا به

کاگریدر، از سوئی دیگر به هنگام تمرکز بر بحران اقتصادی داخلی، او گناه را به گردن "رقابت" خارجی می‌اندازد. اپوزیسیون حقیتی بر علیه ریگان و اقتصاد منطقی که او "بهبود" مینامد مدعیان است: ۹ میلیون بیکار، روغن است ضابطه سیاهان، خصوصاً جوانان و اکثریت توده‌های زنان که فرا بیضانی در یک جمله خلاصه میشود: زنا نه شدن فقر. مسئله جدید اقتصاد ریگان این است: امروز حتی کمپانی‌های پر منفعت نیز خواهان رکاهتشی دستمزدهستند.

۳- خارج، داخل است و داخل، خارج

فرم دیگری از تضادها، خصوصاً در میان جوانان، در حال رشد است. آنها از سویی شاهد کاهش سطح زندگی خانواده‌هایشان، کاهش جیره روزانه غذا و بودجه مدد از منشا می‌شد. از سویی دیگر میلیاردها دلار به پای میلیتاریسم ریخته شده که تا سرحد "جنگ ستاره‌ای" ممدو کرده، او قاعه که به بیگان کتبا به جورج اروول در کتاب ۱۹۸۴، آنها به خود جرات میدهند این اصول مطرح در کنگره در تدارکی است واقعی برای جنگ فضا را "فانون دفاع زمردم" بنا می‌نماید.

شکی نیست که رزمنده ترین مقابله بر علیه ریگان از سوی سیاهان را برآزمیخود. چه در داخل در میانی وجهه در خارج در کار فایز. این مقابله حتی در آنچه صرفاً سیاست است، تضادها را به نظر میرسد، یعنی در هجوم سیاهان به خیابانها برای رای به جسی جکسون مشهود است. غیر ممکن است نتوان این اهمیت توده‌های سیاه پر جویش در این سال را از تضادها را حاکم و هنگامی که ۸۰٪ رای دهندگان سیاه در شیکاگو، و تقریباً ۹۰٪ در نیویورک برای رای در اولین مرحله تاکنون بی اهمیت است تضادها تا بیرون میریزند، مثل روز روشن است که این دفاع توده‌ای از جکسون هیچ ربطی به سیاست با زیبهای دموکراتها ندارد.



ریگان در مقابله با تروریسم

پس از جنگ جهانی اول، هنگامیکه سربازان سیاه بوست دریا زکشت به آمریکا با شورشهای نژاد پرستانه سفید و روبرو گشتند، میلیونها سیاه به ما رکوس گاروی لیبوستند نه برای "ما زکشت به آمریکا"، بلکه چون میخواستند همین جا و همین حالا ازادی را بدست آورند. امروز نیز وقتیکه هزاران هزار از جکسون جا نمانده‌اند، نه به خاطر این که در آنجا به سیستم‌ها به داری بلکه از نجات که خواهر را ریشه کن کردن این سیستم استقامت را گستر داده‌اند.

ریگان چنان سعی را در سر میبرد نمودن کلیه دستاوردهای تمام ۲ دهه گذشته سیاهان در درگاه جکسون از همسنگی شدیداً و با نژاد پرست ترین قدرت حاکم روی زمین، آپارتاید آفریقای جنوبی، تعجبی نمیکند. آنها در حال حاضر دست در دست هم بر سر مسئله تا میبایست تپان می‌کردند. "ما دهه بعد ما هم" این آنگولا، موزامبیک و آفریقای جنوبی را تا عرش آسمانها تعجید میکنند. از جنبه بین المللی، نقاط بحرانی در همه جا جرقه میزند: ۱- خاور میانه تا مل ۴ جرقه که متفاوت است که میتوانند منجر به جنگهای منطقه‌ای شوند: لبنان، ایران، عراق،

سوریه و گروا شعابی سازمان آزار دینش فلسطین (ساف) و کماکان اختلاف عرب و اسرائیل. ۲- در آفریقا محیبتها همه جا نبه. از خشکالی قحطی که قبول یک نویسنده با عت شده "حتی لاشخورها نیز فرار گشتند" گرفته تا عراق بطی که تحت آن رژیمهای نقلابی ما نندموزا میک و آنکولابا لاجرا تسلیم آفریقای جنوبی شده و از این پس به انقلابیون تبعیدی پناه نمیدهند. اما هیچیک از این مصیبتها نتوانسته قیامهای در حال جریان را متوقف سازد. ۳- در آمریکا و کما را فایز، خطر تجا و نظا مسی امپریالیسم آمریکا ملموس تر شده است. شکی نیست که آن به اصلاح پیروزی ریگان بر گروانان دادی کوچک یا سختی جا طلبیهای امپریالیستی آمریکا نبود. روشن است که هدف اصلی ریگان، برانداختن رژیم ناندینیتها در نیکاراگوئه است. ۴- جنگ سرد بین شرق و غرب، که در زمان ریگان در هر جنبه‌ای گرویده، از کاهش تجارت و عدم مفای معاهده محدودیت سلاحهای استراتژیکی (SALT II) گرفته تا میلیتاریسم مستر و موب، جنگ ستاره‌ای پهنه‌ها دیگری از نمانش این رئیس جمهور هر پشه است. اینبار ریگان با آزارنده‌ها که کمونیسم و هر آکس اوماع همدستی با چین علیه روسیه شود.

پنا به گروان نیویورک تا به ۲۵ آوریل ۱۹۸۴، چین و آمریکا با هم به توسعه طلبی روسیه خاتمه خواهد داد. با وجود اینکه برای چین در مرموز پس گرایشی است همدستی غیر ممکن نیست، اما جلوه‌ها در آن توسعه طلبی ریگان به عنوان یک پیروزی در میان نهرست سلبیاتی سیاست خارجی مصیبت را در فریبی پیش نیست. در نظر بیکریدگه و فکر میکنند بعد از نصب موشکی ای تسی میلاش از جانب اروپا آسوده خواهد بود. اما هنری کیسنجر مبدأ ننگه گرکز نمنیوان در مرموز اروپا بی‌دغدغه بود. چنانچه با وجود متفاوتیاتی ریگان در آمریکا ای لاین و سفر سال از تضادها پیش به بین، در یک برخورد نمی‌آید. کماکان کلیدواضع بین المللی است. کیسنجر در مقاله‌ای اختصاصی برای مجله تاپ (۵ مارس ۱۹۸۴) تحت عنوان "تفسیر مشکل ناتو و آمریکا ندهی عالی ناتو" به عهده اروپا و کذا می‌کنند، به شرطی که اروپا نسبت به "مسئولیت نظامی آن را تقبل کند."

اودر حال نکرار جا طلبیهای جهانی و نیکارا امپریالیستی دوره نیکسون است. تضادها با یک فرق: اگر اروپا "مسئولیت" این میلیتاریسم میباید را قبول کنند، اگر نه آمریکا به همراه "چترا تسی" از اروپا بیرون کشیده خواهد شد. این دقیقاً عداطمینان اروپای غربی به "چترا تسی" آمریکا بود که در فرانسه با آن داشت تا نیروی مستقل خود را بنا نهد. پنا به جا طلبیهای کلیه این حکام با پنا به هم. برای تضمین شالوده‌ای انقلاب، نیروهای مقاومت علیه سرما به داری منحل امپریالیستی نیا رزمنده‌ها آوردن یک تئوری انقلابی با ریشه عمیق در جنبش عملی هستند.

۴- عینیت / ذهنیت - در واقعیت و در فلسفه

"فانق آمدن بر تضاد بین ایده و واقعیت و آن وحدتی که حقیقت است فقط برای این ذهنیت استوار است. بنفی دوم، بنفی نگی. ۱۰۰۰۰ بین است تفوق بر تضاد ۱۰۰۰۰ بین است درونی ترین و عینی ترین لحظه زندگی ذهن" Johnson and Struthers Edition ۲۷۷-۲۷۸ صفحات ۲

"نکته مهم در اینجا این است: (۱) خصوصیات دنیا لکتیکی، خودجنسی، حرکت زندگی و ذهن، تضادها با مفاهیم سوژه (اشان) و واقعیت، (۲) عینیت تا بالاترین درجه (der objectivest Moment) (۳) لنین کلیات آثار در جلد ۳۸ ۲۲۹

ما در سالهای ۱۹۸۰ به آزمون گذاشته شدیم. سال ۱۹۸۰ با دوران ریگان شروع شد اما فقط رسماً، چرا که کار ترهتوز در قدرت بود و تاجا امپریالیستی او به گویا بران نشان داد جنگی عظیم در خاور میانه، حتی اگر فقط مقابله تسانی شرق و غرب را به همراه داشته باشد، اما کن پذیر است. ما شرایط عینی را چنان روخیمد، نستیم که با وجود تعدا دفترت کوچکمان، با بدشریه نیوزاندلسترز (News & Letters) را از صفحه ۲ از صفحه ۲ میدادیم. تا صدهای جدیدی فینیها در کنگره پیشرفت‌های جدید شوریک به گوش برسند. ما سال ۱۹۸۰ را "سال کتاب" نامیدیم (یعنی سالی که کتاب روزا لوکوزا میورگ آزادی زن و فلسفه انقلاب ما رکن با دیده تا کم میرسد) نه برای اهداف فکتی بلکه برای به کتاسام آوردن "لحظاتی نوین" دهه آخر زندگی ما رکن که به نظر ما روکشایی است برای دهه ۱۹۸۰.

در ۱۹۸۱ هنگامی که تحت سیستم ریگان، میلیتاریسم و تجا و نظا می‌بال سال لودا دوره به سطح قتل عام رسیده بسط بحران آل سال لودا دوره به سرا آمریکا مرکزی و کما را فایز ما را هر چه بیشتر به این امر واقف ساخت تا هیچگاه هر شرکت خود در کلیه فعالیتهای دفاعی از انقلابیون آمریکا ای لاین را از رسم شوریکمان جدا نکند. سال ۱۹۸۲ میلیونها واقعات امپریالیستی و رجای، از دست درازی تا چربه جزا بر فنانک لاندو قتل عام حوشیانه اسرا شیل در لبنان گرفته تا بازی آمریکا با ایده جنگ اتمی دراز مدت، همزمان با این، نیروهای ضد جنگ مثل سطح فهرات عظیم به رهبری اندری در مقابل سازمانها و در رابطه بین المللی، رشد کردند. در شرایطی که فلسفه و انقلاب ما رکن به همراه جاپ جدید ما رکیسم و آزادی و فلسفه و انقلاب ما رکیسم ما مقدمه‌های جدید، ما آشکارا رزمندون تمامیت ما رکیسم هو ما نپسرها به عهده گرفتیم که بسط پدیدار شدن جنبش جدید و عظیم در عمل و تولد ما در سالهای ۱۹۵۰ آغاز شده است.

این کار و در ۳ دهه تفکر با زهم برای اهداف فکتی نبود. در سال اول دهه ۱۹۸۰، تضادها بود و منطقی: تضاد تضاد با همه سنگینی سال به علیه توده‌های در حال حرکت و کاهش برای ای کس فلسفه انقلاب روشن نبوده است. ما قویا احساس کردیم، هما نظور که ما رکن در دهه آخر زندگی خود، هم‌اکنون برای یک قلمرو نوین تفکر در انقلاب در ۱۹۴۴ را به کمال رسانده و هم‌اکنون "لحظاتی جدید" مقابله می‌کرد، ما نیز میبایست در مقابل به کلیه

انقلابیون ما رکیست پس از ما رکن با مشکلات عصر خود و جهان سوم دست و پنجه نرم کنیم. این لحظاتی نوین عبا رتنداز:

۱- کار و ما رکن در جوامع ما قبل سرما به داری و برخورد جدیدش به انباشت سرما به دشتا ا عت شد تا اوگرا پین تا ریخی انباشت سرما به داری را با عمل جهان شمول زدند. ۲- دستنویشتهای قوم‌شناسی نما یا نگریدها و از نقش بالانزنان در جوامع ابتدایی بود. از زنان آبروگرای تا زنان ایرلندی قبل از غلبه امپریالیسم بر پنا نیا. ۳- او مکان ظهور انقلاب در یک کشور در دنیا فته ما نند روسیه را زودتر از غرب از لحاظ صنعتی پیشرفته میدید. با شروع جنگ جهانی اول، نقطه طلایی در شرایط عینی و با شروع انترناسیونال دوم، نقطه طلایی در شرایط عینی ذهنی وجود پیدا نمود. لنین لزوم رجعت به ریشه‌های ما رکن در دنیا لکتیک هگل را حاکم نمود. این عمل لنین، نه فقط درون داری به طبیعت انقلابی، این عمل لنین، خیا نتر نیوسال دموکراسی آلمان به پرولتاریا، بلکه در آفرینش یک نقطه حرکت جدید در فلسفه منجر به ایجا دکشاف بزرگی در ما رکیسم شد. لنین با مشخص کردن اصل دنیا لکتیکی تبدیل پدیده به مفهود در تفسیر علم منطقی

هگل، مینای برای تئوری جدید خود در دولت و تضاد و همچنین برای تیک در انقلاب ۱۹۱۷ ایجا نمود. از نظر فلسفی، این نقطه جنبشی برای عصر ما نیز شد.

در آغاز جنگ جهانی دوم ما با یک بررسی مستند از "برنا مه‌های سال ۵ روسیه" تبدیل دولت کارگری به جامعه سرما به داری دولتی، بعنوان تبدیل پدیده به مفهود در عصر ما رکن ثابت نمودیم. در سال ۱۹۵۴ ما بسا کشف فلسفی خود در مورد ایده مطلق هگل به عنوان زیابطه تئوری مستند در جنبش عملی توده‌ها با جنبش آنتشوری، ما سخنان کتاب ما رکیسم و آزادی آفریدیم.

ما رکیسم و آزادی در سال ۱۹۵۸ ما دوبا رومولیسیم ما رکن از عصر انقلابات ملی، صنعتی، اجتماعی، سیاسی و همچنین روشنفکری آغاز کردیم که دنیا لکتیک انقلاب را به ما به فاقی آمدن بر تضادها حل بیگانگی شناسانده و مکتوف نمودند. با آغاز زامعرا شین و انقلابات ۱۷۷۶ و ۱۷۸۹، ما رکیسم و آزادی با انقلابات عصر ما با آن گرفت: از نبرد بر علیه اتوماسیون و تحریم دیویس بوسیله سیاهان در مرموز کموری به عنوان علامت انقلاب سیاهان در آمریکا و آفریقا گرفته تا قیامهای اروپای شرقی و زیربوغ توتالیتریزم روسیه. در حالی که ما با اولین کشف خود در مورد ایده مطلق در سالهای ۱۹۵۰ قافله به مشا همد

چشم انداز ۸۵ - ۱۹۸۴ (طرح اولیه)

نیازحیاتی به یک سمت گیری کاملاً جدید برای ریشه کنی سرمایه داری امپریالیستی

پس از مرگ ما رکن منشأ خا نوا ده ، ما لکتیک خصوصی و دولت را به عنوان میراث " ما رکن عرضه کرده بودیم . هنگامی که دست نوشته های قوم شناسی در دسترس قرار گرفتند روشن شد که دیدگاه خطی انگلس از رشد انسانی فرسنگها با دیا لکتیک چند بعدی ما رکن فاصله داشت .

"لحظت نویسنده" خردنگاری ما رکن " انباشت تاریخی سرمایه را به مثابه اصلی جهان بشمول در کرده و آن را صرفاً خصوصیت اروپای غربی میداند . خصوصیتی که لازم نبود کشورها ی رشد دنیا فتلجها ن سوم عصر ما " فلسفه " انقلاب دنیا ل کنند . این لحظت " فلسفه " انقلاب در دنیا و ما را نه فقط در تئوری بلکه در پراکتیک آشکار ساخت .

فلسفه انقلاب ما رکن به نظر ما رهگشائی است به سالهای ۱۹۸۰ هم در زمینه پدید آمدن رشتن جهان سوم و هم در انکشاف آزادی زن از یک ایده به یک جنبش عرصه .

مطالعه مفهوم رزا لوکزا مبورگ سوم عصر ما " فلسفه " انقلاب بعد جدیدی به معنای همزمان بودن ما رکن داد .

رزا لوکزا مبورگ علی رغم اینکه گوش خود را بر فلسفه بسته بود ، به عنوان یک انقلابی زن هم در جنبش توده ای کارگری ، ضد جنگ و زنان عصر خودش فعال بود و هم رهبری حزب سوسیال دموکرات آلمان بر سر بی عملی آنها در مقابل بله با میریالیسم میبگید . در طی این مبارزه سخت ، هزاران تن ترین نوع شوئیسم مردسالارانه پدیدار شده بود .

فقط تنها در درک نمیکنند بلکه خود را نیز به عنوان بهمنصری از تفاهت دنیا ده و این عنصر را به اصلی از دانش و بنا بر این عمل ارتقاء میدهند .

تئو ری فکری که ما رکن از یک رآوردن ۳ یا ۴ گراف آخربین هگل (Philosophy of Mind) خصوصاً با رگراف ۵۷۷ بدست آوردیم ، دقیقاً به عصر ما مربوط است . آنجا هگل میگوید :

" طبیعت واقعیت چنین است که ایده (Notion) موجب حرکت و انکشاف میگردد . اما این حرکت به همان اندازه عمل شناخت نیز هست ."

با وجود اینکه هگل در آن نقطه خود را با " ایده بدی " متکین میدهد فلسفه و انقلاب در عصر ما قادی بودنتان در دهکده " ایده خود متفکر در حقیقت " خودبها را آوردن از بدست " .

ما که به عنوان شاهان زولدیگ نسل جدید از انقلابیون ، هوما نیسم ما رکن را برای زمان خود با آفریده بودیم ، قادر به انجام این کار شدیم . در این ادراک جدید از عینیت ، ذهنیت جای داشت .

ذهنیتی که عینیت را جذب کرده بود .

سالهای ۱۹۷۰ ، هنگامی که فلسفه و انقلاب به چاب رسید ، سالهای بی بدینده نوشته های دهه آخر ما رکن دست نوشته های قوم شناسی و بلا ناخره به چاب رسید ، و بلا اخره نگاهیه ما رکنیسم ما رکن به عنوان یک تمامیت امکان پذیر شد .

و این تمامیت ما رکن از کلیه ما رکنیستهای پس از مارکس شامل نزدیکترین همکاران او نکلسی بود که اولین تر خود

۲) آن نوع دیگر ذهنیت - ذهنیت توده های در حال حرکت - " ذهنیتست که عینیت را " جذب کرده ، به عبارتی دیگر در حین مبارزه اش برای آزادی ، با واقعیت عینتی در آمیخته و حریف آن میشود .

با زهم طور دیگری بیان کنیم ، چون دشمن جدید ما از سرمایه داری سنتی بلکه از سرمایه داری دولتی در زیر ما یک کمونیسم و یا ادانه استعمال لغات ما رکنیستی میاید ، مبارزه برای آزادی کل ما را در بر میگیرد .

به یک رزایطکا ملاحظه بدین پراکتیک و تئوریست .

آنچه که فصل اضافه ما رکنیسم و آزادی در تفاهت ارائه کرد در فصل اول فلسفه و انقلاب چرا هگل چرا امروز به عمل آمد . تا آن موقع دنیا شاهد نیروها و انگیزه های نسل جدیدی از انقلابیون دهه ۱۹۶۰ ، در شرق و در غرب و همچنین انقلابات جدیدی در آفریقا چه در عمل و چه در تفکر مشمل هوما نیسم فرا نتس فان تون بود . اما اکنون به درک جدیدی از عینیت هوما نیسم ، به عبارت دیگر ، انکشاف فرا تئوری مفهوم تبدیل به دهکده نه از خیانت رفرمیستی در شروع جنگ جهانی اول بلکه از تبدیل دولت کارگری سرمایه داری دولتی پدیدار میشود .

این انکشاف فرا تئوری فلسفه ما رکنیست - هوما نیسم را میتوان به نوعی در بیان گرامشی در ما کلاماً رکنیسم (Problems of Marxism) حین کرد .

" فلسفه پراکتیک آگاهی معلولان تضادی است که در آن فیلسوف هم به مفهوم فرد و هم تمامیت یک گروه اجتماعیه ،

۵- نتایج سازمانی

دیدم میشود .

در سال ۱۹۸۵ به مناسبت سی امین سال بنیاد نگیناری ما رکنیست هوما نیسم ما همچنین مجموعه ای زبرخی از نوشته های وسیع را با دونا یفسکا یا در مورد آزادی زن خواهم داشت . این مجموعه تا روزی بین المللی زن ماهه خواهد بود و ما مل و قبا یح و بر سر بیها فست بر مبنای کاتاکوری زن به مثابه شعور و نیروی انقلاب که ما در تولد ما ن به سال ۱۹۵۵ آفریدیم . را به دیا لکتیک رشتد آزادی زن به عنوان جنبش و فلسفه آزادی در یک مقدمه جدید پراکتیک خواهد شد .

اگر نمیخواهم در قباله امی ، ایر قدرتها کسسه بسپاری از به اصطلاحها هنوز در مقابل قطبی آژان حده میکنند ، به خاک سپرده شویم ، کنکرتیزه کردن چشم انداز حیاتی " انقلاب در دنیا و ما " برای امروز طبیعتی دشوار و حقیقتاً مورد نیاز است .

عملیات مدام و بسپا به منظور سرنگونی دولت نیکا را گوئده بی ارزش شمردن تصمیم دادگاهها نی لاه و " با زبانی جنگی ما نور ۳۰۰۰۰۰ پرسنل ارتش از کلیسه شاه خا ده رگا را فقیب ، تنگه فلوریاد و ولجی مکزیک کسه حریف تمرین قدرت روسیه در شمال آتلانتیک میبا شد ، همه سال ۱۹۸۴ اورولی را از همیشه مهیب تر کرده . این کابوس اورولی با بدبده فذ مطلق خود استحالیه بدیه به آغاز انقلابات جدید بر زمینه وحدت شعوری و پراکتیک هیئت تحریریه نشریه شیوز اند لترز

عنوان " انقلاب مداوم " تلقی شد .

۱) انقلابات معرکه شاکه هتولید آن جهان سوم کاملاً جدید بود ، مسئله رابطه نیروهای انقلاب ، دهقان - کارگر زن - مرد ، شعور و نیرو را

مفهوم تشکیلات انقلابی مطرح میگردد .

۲) مسائل ما ۳) سر جدید منتشر خواهم نمود :

۱) جزوه ای در مورد اعتصاب کارگران معدن برعلیه اتوماسیون ما رکنیا ره به تولد جنبش عملی در زنیام ۱۹۶۹-۵۰ و مرحله جدید آدهای آهنی (Robotics) امروز بازمیگردد .

۲) چاب جدیدنا سبونا لیسم ، کمونیسم ، ما رکنیسم - هوما نیسم و انقلابات آفریقا - آسیای بیابانگر سوال جهان سوم در مبارزه اش نه فقط برعلیه میریالیسم بلکه همچنین برعلیه روشنفکران انقلابی اما بوروکراسی است که به قصد رهبری آمده ولی به زودی جنبش را از مسیر خود منحرف ساخته اند . مقدمه جدید آن ما را به امروز رجعت میدهد . از انقلاب و ضد انقلاب در ایران تا ضد انقلاب بر خاسته در یونان انقلاب کرانادا (رجوع شونده ترجمه مقدمه درص ۵) .

۳) جزوه هوما نیسم نویسن مارکس و دیا لکتیک آزادی زن در جوامع ابتدایی و مدرن مسئله آزادی زن را برای خود و همچنین به عنوان بیان تمامیت ما رکنیسم ما رکنیسم بررسی میکند . بطوری که فلسفه " انقلاب در دنیا و ما " به عنوان معنای سازمان و جهت گیری آینه بدیه آزادی زن

در آخرین بخش کتاب رزا لوکزا مبورگ ، آزادی زن و فلسفه انقلاب ما رکن تحت عنوان " دیدگاه ۱۹۸۰ " ما اظهار داشتیم که ما رکنیسم ما رکن ، از ابتدای بریدنش از این ماه سورزوا سی در ۱۸۴۳ تا آنجا تا سال ۱۸۸۴ هبگکاه از مفهوم انقلاب در دنیا و ما جدا نبود .

بیان ما رکنیسم ما رکن به عنوان تمامیت روشن ساخت که فلسفه انقلاب در دنیا و ما رکن همچنین مبنای است برای تشکیلات ، ما این مفهوم را برای عصر خود از هم مربوط تر میدانیم ، خصوصاً در رابطه با جستجوی جنبش آزادی زن برای یک فرم غیر متمرکز تشکیلاتی از این رو اسما ل ما یک سری کلاس دربارها تمامیت ایده های مارکسیت هوما نیسم و این کتاب " سه جلدی انقلاب " برگزارد نمودیم . این کتابها شامل بررسی های زیرند :

۱) انقلابات زمان ما رکن - خصوصاً ۱۸۴۸ تا ۱۸۷۱ تگونه که به قالب ریزی آنها ما رکن کمک نمودند . برای ما رکن حتی شکست ۱۸۴۸ منجر به شعوری انقلاب در دنیا و ما رکن شد .

۲) انقلابات ۱۹۰۵ ، ۱۹۱۷ ، ۱۹۱۹ - از ما نی که دیا لکتیک انقلاب در قرن بیستم ، آنها را از مفهوم و عمل انقلاب جهانی جدایی ناپذیر ساخت .

از ۱۹۵۵ به بعد مفهوم آژانین ما رکن از انقلاب مداوم که آنرا " انقلاب در دنیا و ما " نامیدیم ، چنان اصطلاح محبوس شد که ریشه ترنسکی تحت عنوان ۱۹۵۵ علی رغم عدم در پیسه با بی و حتی شاه ربه دیا لکتیکی که ما رکن در مورد دنیا زهای دوران پس از شکست انقلابات ۱۹۸۴ مطرح کرده بود ، به

زیر نویس

۱) ما رکنیستهای برای بنیاد نگار " سازمان همبستگی برای بهبود دنیا و ما " جنبش " بازگشت به آفریقا " در سالهای ۱۹۲۵ در آمریکا ، برای مطالعه ۲ مقاله را ج به سوی رجوع کنید به نیوز اند لترز شماره های از تویه و مارس ۱۹۸۴ . قابل اکتیاج از انقلاب و آزادی

۲ رجوع شونده انقلاب و ضد انقلاب در گرانادا در انقلاب و آزادی شما ۱۰

من فکر نمیکنم روزنامه باید مثل یک باغچه انگلیسی فریبدهار باشد . برعکس باید مثل یک شکوفه زار و خوشی ، قدری بی آرام باشد تا با زندگی و استعداد های جوان بتبندد

روزا لوکزا مبورگ

بعد از مطالعه این شماره ما یلید انقلاب و آزادی را مشترک شوید؟

اشتراک سالانه عدلر

فرم اشتراک

نام

آدرس

E&A
P.O. BOX 07101
Detroit, Mich. 48207 USA

سه جلدی انقلاب

روزا لوکزا مبورگ آزادی زن و فلسفه انقلاب مارکس

فلسفه و انقلاب از هگل تا سارتر و از مارکس تا مانو

مارکسیسم و آزادی از ۱۷۷۶ تا امروز



بهاء هریک ۱۱ دلار ، هر سه با هم ۲۷ دلار لطفاً سفارش خود را به آدرس انجمن آزادی ارسال دارید .

قابل اکتیاج از انجمن آزادی

هوما نیسم نویسن " مارکس و همرا ه با مقدمه بر چاب ۱۹۸۴ در جوامع بدوی و مدرن

اعتصاب عمومی کارگران معدن در سالهای ۱۹۴۹-۵۰

و

تولد ما رکنیست هوما نیسم در آمریکا به انگلیسی بها ۲۲ دلار

تولید ما رکنیست هوما نیسم در آمریکا به انگلیسی بها ۲۲ دلار

